

برای مقابله با خطر...

بقیه از صفحه ۹
که از جوانهای عزیز ما - متعهد ما دارد خدمت می کنند و تشکیل دادند، اینها ممکن است که در اینها وارد بشوند و بدون اینکه شماها توجه نکنید.

(از سخنان امام خمینی در روز ۷ اردیبهشت ۶۰)
سخنان امام خمینی، یک تذکر معمولی نیست، بلکه بیان خطری است که اگر با آن مقابله جدی نشود، تلاش برای تامین حکومت قانون با شکست مواجه و در نتیجه جمهوری اسلامی ایران در بی ثباتی و ناامنی و تشنج و درگیری غرق خواهد شد.

تذکرات امام خمینی در مورد خطر ساواکیها، آتم در نهادهای انقلابی، نشان دهنده آنست که در واقع خطر بسیار جدی است.

آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی، در این مورد سخنان تلخی دارد. او ضمن اشاره به توطئه ها، تحریکات، درگیری ها و بمب گذاریهایی که در گوشه و کنار کشور بعمل می آید، گفت:

«سهتهای مختلفی در این کارها شرکت دارند. ساواکیهای سابق هستند که در اثر سوء سیاست مسافران اینها علیه انقلاب نیز در توطئه شرکت می کنند. در صورتیکه روزهای اول اینها زمانی که من در کمیته بودم، می آمدند و می گفتند که ما (ساواکیها) را مستگیر کنید، چون می ترسیدند که به محله خودشان بروند. ولی کم کم آمدند، تاجایی که اینها برای حقوق خود متحصن شدند و حالا هم در توطئه ها شرکت می کنند... در اثر برخورد نامناسب وضعیت، اینها به خودشان این اجازه را دادند که حتی از شرکت در این توطئه ها هم ایستاده باشند و فکر می کنند که عمده این بمب گذاریها کار این جماعت باشد.»

(جمهوری اسلامی، ۷ اردیبهشت ۶۰)
آقای بهزاد نبوی، در همین زمینه، حقایق تکان دهنده دیگری را نیز مطرح کرده است:

«در مدرسه علوی (که ساواکیهایی را که مردم دستگیر کرده بودند، می آوردند آنجا) کسی را آوردند بنام وفای زاده و خواهرش... این آقای وفا قاضی زاده سالن معلوم شدیم را با خواهرش ۳-۴ روزی نگاه داشتیم... و بعد از ۴ روز آنها را ول کردیم رفتند. بعد که گروه فرکان دستگیر شد، معلوم شد وفا قاضی زاده، راننده همان ماشینی بود که استاد مطهری را زده بود... و ما خودمان مرغ را از قفس پرانده بودیم.»

(از سخنرانی در مسجد حاج امجد، تقاطع خوش - آریانا، ۳ اردیبهشت ۱۳۶۰)

آقای بهزاد نبوی همچنین گفت:
«حالا نمی دانیم (ساواکیهای آزاد شده) کجا می آیند ولی بهرحال خیلی از اینها پرو شدند که بخودشان جرات توطئه دادند... واقعا آنقدر بد رفتار کردیم که اینها را پرویشان کردیم... تا آمدیم یک تلنگر بزنیم به یک کدامشان، هزارتا حقوق بشر راه افتاد... شما باید حواستان جمع باشد. همه آن ساواکیهایی را که قبلا می شناختید، یکبار دیگر زیر نظرشان داشته باشید... و در موارد لزوم هم به آنها که مسئولند بگوئید، باید همان هشیاری روزهای اول انقلاب را باز هم داشته باشید.»

(همانجا)
این اظهارات یک بار دیگر این حقیقت را که ساواکیها، منبع مهم سر باز گیری ضدانقلاب سازمان یافته را تشکیل می دهند، تأیید می کند.

ساواکیهای چنایتکار که بقول امام خمینی، خیال خام بازگرداندن دوران گذشته را دسر می پروراندند، منشاء فساد، توطئه و تباهی اند. آنها ریش میگذارند و تسبیح بدست میگیرند. در درگاهها و نهادهای انقلابی نفوذ می کنند، بنام ارگانها و نهادهای انقلابی، توطئه و تحریک می کنند و مردم را در مقابل ارگانها و نهادهای انقلابی قرار میدهند و نسبت بدانها بدبین میسازند. آنها بمب میگذارند، ترور می کنند و به میتینگها و مجامع قانونی حمله می کنند...

آری، تملل و تأخیر در سرکوب ساواکیها، این افعی های زهر دار و توبه ناپذیر، با تلاش برای تامین حکومت قانون، تضاد آشکار دارد.

خوشبختانه سخنان آقای بهزاد نبوی و در همین زمینه اطلاعیه شماره ۲۵ دادگاه تخلفات و جرائم زمان جنگ، بیانگر آنست که مسئولین جمهوری اسلامی، که در تلاش اجرای رهنمود امام خمینی و تامین حکومت قانون هستند، این خطر را دریافته اند و لمس میکنند. اما جدیت در اجرای رهنمود امام خمینی، می طلبد که مسئولین از مرحله حرف فراتر روند، به تدبیر بنشینند و راه حل های عملی ارائه بدهند و با قاطعیت آنها را به اجرا در آورند.

در اطلاعیه شماره ۲۵ دادگاه تخلفات و جرائم زمان جنگ، که مسئولین آن کوشیده اند مرز اظهار نظر را در توردند و راه حل های عملی ارائه دهند، ضمن تأکید بر اینکه:

از درگیری و تشنج درس قسط جلو گیری کنید

اخیرا تشنجانی در چند مدرسه و بازارهای ستر روی داده، که رهبری آنها به دست گروهکهای مائوئیستی - آمریکایی «پیکار و دکومه» بود.

در این درگیریها، که به دنبال اخراج چند محصل از مدارس ستر روی داده، گروهک های «پیکار و دکومه» بلافاصله وارد ماجرا شدند و کوشیدند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند.

از طرف دیگر به دنبال برخورد بین یکی از پیشبران مسلمان کرد و یکی از سرمایه داران این شهر، بازاریان ستر در حمایت از سرمایه داران بورژوا دست به اعتراض زدند، که از این اعتراض عوامل ضدانقلاب، ترور خوارها و ساواکیها به نفع خود استفاده کردند.

بر اساس مجموعه شرایط چنین به نظر می رسد که عوامل ضد انقلاب، که در نهادهای دولتی ستر نیز نفوذ کرده اند، به کمک گروهک های مائوئیستی-آمریکایی، تدارک یک درگیری را می بینند، لذا ما از همه مسئولین امر در ستر می خواهیم که با این مسائل قاطعانه برخورد کنند و زمینه سوءاستفاده ضدانقلاب را از بین ببرند.

«اخیرا (۹) مشاهده شده که عناصر ساواک و دیگر فئالهای رژیم گذشته در اجتماعات گروههای فاشیست آمریکایی، که در حال مبارزه با جمهوری اسلامی هستند، شرکت می نمایند و مقاصد پلید خود را در قالب حرکت سیاسی در متن جامعه انقلابی مطرح می کنند» چنین راه حلی پیشنهاد شده است:

«از توده میلیونی مسلم و مومن به انقلاب خواستاریم اینگونه افراد را شناسایی و در اولین فرصت اسامی و مشخصات آنان را در اختیار دادگاه تخلفات و جرائم زمان جنگ قرار دهیم.»

این خواست هر چند اقدامی لازم، مثبت و مورد تأیید است، ولی متأسفانه بیچوجه کافی نیست و بیچوجه به تنهایی توانائی ریشه کن کردن خطر جدی و خطرناک ناشی از عملکرد ساواکیهای ضدانقلابی و توطئه گر را ندارد.

در حالیکه لیست کلیه ساواکیها در دست مقامات مسئول است و آنان می توانند از طریق رسانه های عمومی همگانی، مزدوران کارگشته ساواک را با عکس و مشخصات به مردم معرفی کنند و آنها را به دادگاه فراخوانند، در حالیکه می توان بسهولت و با قاطعیت کلیه ارگانهای دولتی و انقلابی را از نفوذ فاسدکننده این خائنین پاک کرد و آنان را به مجازات رسانید، اتکای تنها به جلب هشیاری مردم، هر چند اقدامی لازم و قابل تأیید است و میتواند گامی در رفع این خطر باشد، ولی گام اساسی و قاطع در مقابله با این خطر نیست و نمی تواند باشد.

تمامی ارگانها و نهادهای انقلابی و قانونی، که ضد انقلاب سازمان یافته، لیرالها و گروهکهای مائوئیستی-آمریکایی با تمام قوا میکوشند تا آنها را تضعیف کنند و در مقابل مردم قرار دهند، باید جدار شوند و امام خمینی را مورد توجه قرار دهند. روشن است، آنها که برای مردم و در راه تحقق آرمانهای محرومان و علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی فداکاری می کنند، بیش از همه در تصفیه صفوف خود از نفوذ آلوده کننده و مسموم عقرب های ساواک کوشش میکنند. مسئولین جمهوری اسلامی ایران نیز، که نسبت به قانون و اجرای آن احساس مسئولیت می کنند، باید از بیان درد، که تنها نیمی از درمان آنست، فراتر روند، و به اقدامات جدی و طبق نقشه برای سرکوب این چنایتکاران دست بزنند.

لیست ساواکیها را منتشر کنید، ارگانها و نهادهای انقلابی و دولتی را تصفیه کنید، توطئه گران ساواکی را دستگیر و مجازات نماید و بدینسان یکی از مهمترین شاخکهای توطئه ضدانقلاب را قطع کنید.

اسناد جاسوسخانه...

بقیه از صفحه ۱

دولت موقت همرا - از امام خمینی گرفته تا نهادهای انقلابی - علیه خود می دید

از سند مورخ ۱۷/۴/۵۸، ۲۰۶۴۱)
«انتظام گفت که بلافاصله بعد از انقلاب دولت موقت باین نتیجه رسید که همه از امام گرفته تا کمیته ها و پاسداران انقلاب و دادگاههای انقلاب برضد دولت موقت کار میکنند. نخست وزیر و کابینه صدها بار با خمینی تماس گرفته، ولی تا دو هفته قبل که دولت موقت تصمیم به اتخاذ یک موضع قاطع گرفت، نتیجه مطلوبی حاصل نشد. او افزود که دولت موقت می خواهد اوضاع را سریعاً به وضع عادی بازگرداند و پیش بینی کرد که در عرض یک یا دو هفته سیاست و تشکیلات کلی دولت برای عموم اعلان می شود و این نتیجه ملاقات و توافق اخیر با رهبر انقلاب بوده است. او در جواب سؤال من گفت که بازرگان مصمم است که وظیفه اش را به نحو احسن تا پایان (بطور موققت آمیز) انجام دهد، او بازرگان را شخص

کنند.

متأسفانه تصمیم اخیر مجلس شورای اسلامی ایران در مورد مسئله مسکن، در جهت این خواست و وظیفه قرار ندارد، و متأسفانه معضل مسکن، دو سال بعد از انقلاب بزرگ مردم ایران، هنوز در ابعاد پیشین خود (حتی از جهاتی شدت یافته تر) باقیست و هنوز هیچگونه برنامه جدی برای مقابله با این بلائی ناشی از نظام جابر سرمایه داری و بزرگ مالکی وجود ندارد.

در حال حاضر قریب به ۳ میلیون واحد مسکونی مورد نیاز است. هنوز مالکیت خصوصی بر زمین که مشتی غارتگر را بدون هیچ زحمتی میلیون ها ساخته و دستریج محرومان را به کام آنها ریخته است، لغو نشده است. بیش از ۵۰ میلیون نفر در شهرها جارم نشین اند، که حداقل نیمی از درآمد خود را بابت اجاره بها به غارتگران و مفتخواران می پردازند. متأسفانه تصمیم اخیر مجلس شورای اسلامی نیز امکان سوء استفاده را از این اقلیت مالک سلب نمی کند و خطر بیرون رانده شدن از همان سریناه بر درد و رنج را بر سر اکثریت چندین میلیونی مستاجرین، باقی می گذارد.

بنظر ما، تصمیم اخیر مجلس شورای اسلامی، بر فرضاتی و رنج توده های مردم می افزاید، انقلاب را تضعیف می کند و دست ضد انقلاب را برای سوء استفاده و ایجاد تحریکات در این زمینه باز میگذارد، و لذا خلاف مصالح جمهوری اسلامی ایران و بدینور از شان مجلس شورای اسلامی ایران است.

توده های میلیونی کوششین انتظار دارند که دولت و مجلس

یا جانفشانیهای کم نظیر مردم

زحمتکش بدست آمد، جوانه این امید را در قلب همه کاشت که جمهوری اسلامی ایران، یعنی نوزاد انقلاب شکوهمند محرومان، گامهای جدی و اساسی برای مبارک کردن هیولای مہیب مسکن بر خواهد داشت، زمین خواری را منع خواهد کرد، مالکیت خصوصی بر زمین را لغو خواهد نمود، صدها هزار خانه و مستغلات را، که اسناد مالکیت بهرراه سر نیزه آریامیری در اختیار بساز و بفروشها و دیگر غارتگران قرار داده است، از آنها خواهد ستاند و نظامی را، که صدها خانه و مستغلات را برای یک تن هزاران بی خانمان را بدون یک سریناه، به رسمیت می شناخت، از بیخ و بن زیرورو خواهد کرد.

این امید بی پایه نبود نیست. امام خمینی رهبر انقلاب برونیا نگذار جمهوری اسلامی ایران، بارها و بارها، با قلبی پرطیش، نگاه میسریان و کلامی قاطع، کوش - نشینان را بر کاخ نشینان عزت نهاده و آنها را موجد صاحبان اصلی ثروت های این آب و خاک خوانده اند. امام خمینی بدرستی جمهوری اسلامی ایران را در خدمت کوش نشینان و محرومان دانسته و مسئولین را خادم مردم اعلام کرده اند. لذا این انتظاری بجا است که مردم نیز از دولت و مجلس شورای اسلامی ایران بخواهند که با طرح و تصویب قوانینی بسود آنها و در جهت محدود کردن غارت کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران از جمله صاحبان مستغلات - طبق رهنمود امام خمینی و در راستای یکی از دو خصلت اساسی انقلاب ایران، یعنی خصلت مردمی آن عمل

دولت و مجلس...

بقیه از صفحه ۹

سودهای بادآورده، غارتگرانه و نامشروع، در شرایط افزایش شدید هزینه زندگی، باری دیگر بردوش محرومان جامعه اضافه کنند.

ایجادنگران کننده و غیرمنصفانه این تصمیم وقتی واضح تر میشود که بدانیم از صاحبان مستغلات و مالکان خانه های متعدد مسکونی، در دوران پس از انقلاب انقلابی که طبق اظهارات صریح رهبر انقلاب، انقلاب محرومان و کوش نشینان است - که فقط مالیاتی قابل ذکر دریافت شده است، بلکه آنان بیش از پیش، بواسطه افزایش بهای خانه و اجاره خانه، مردم را غارت کرده اند و کیسه طمع خود را با دستریج مستاجران زحمتکش انباشته اند: در سال ۵۹ از صاحبان مستغلات و غارت کنندگان میلیونها مستاجر زحمتکش، تنها ۴ میلیارد ریال مالیات دریافت شده است!

برای درک ابعاد واقعی اجحاف و غارت صاحبان مستغلات مفید است بدانیم که طبق آخرین آمار موجود از سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵، ۲۷۴ درصد از ۳۲۵ میلیون خانوار شهر نشین، اجاره نشین هستند. بعبارت دیگر در سال ۵۵ قریب به ۵۰ میلیون نفر از مردم شهر نشین کشور، زیر بار کم شکن اجاره پسر می بردند. این رقم بیشک اکنون با افزایش جمعیت، مهاجرت روستاها و افزایش ناشی از جنگ و مهاجرت اجباری مردم جنگ زده، افزایش چشمگیری یافته است. پیروزی انقلاب در کشور ماکه

عوامل مشکوک از توزیع «نامه مردم» در امپریه تهران

جلو گیری میکنند

میکرد و قصد پایمال کردن آزادیهای دموکراتیک مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب را دارد، از نهادهای انقلابی در این مناطق میخواهیم که قاطعانه با اینگونه کارشکنی ها و اعمال غیرقانونی روبرو شوند و اجازه ندهند که عوامل مشکوک قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران را زیر پا بگذارند.

عوامل مشکوک در توزیع و فروش «نامه مردم» در خیابان امیریه و سرپل بهادر اشکال بوجود می آورند. این افراد تا بحال چندبار، ضمن مراجعه به

شورای اسلامی، هر چه سریعتر به تدوین و تصویب لویحی بسود آنان و علیه کاخ نشینان که دشمنان انقلاب هستند، اقدام کنند و لویحی از این دست را، که جز به زیان انقلاب نیست، لغو نماید. به انتظار و خواست مردم باید سریع و جدی پاسخ داد.

با اتحاد شوروی - نخستین و بزرگترین کشور سوسیالیستی جهان آشنا شویم



ترکیب یازگانه خارجی اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۹

با کشورهای سوسیالیستی	۴۵۱۰۰ میلیون روبل
از جمله:	
کشورهای "شورای همیاری اقتصادی"	۴۱۷۰۰ میلیون روبل
با کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته	۲۵۷۰۰ میلیون روبل
با کشورهای رشد یابنده	۹۵۰۰ میلیون روبل

حکومت شورانا

چنان‌که از عنوان "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" برمی‌آید، نظام این کشور بر پایه "شورا" است. "شورا"ها نهاد های حاکمیت دولتی هستند، که از نمایندگان برگزیده و حامی منافع مردم تشکیل می‌شوند. این نهادها همه سطوح، از جمله روستاها، شهرها و شهرک‌ها و مناطق گوناگون را در بر می‌گیرند. بلند پایه ترین این "شورا"ها "شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" (یعنی پارلمان اتحاد شوروی) است. شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، "شوراهای عالی جمهوری های اتحادیه" و "شوراهای عالی جمهوری های خودمختار" برای مدت پنج سال و "شوراهای محلی نمایندگان خلق" برای دو سال و نیم انتخاب می‌شوند. ترکیب این شورانا نشان می‌دهد که چه کسانی بر اتحاد شوروی حکومت می‌کنند:

ترکیب شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (منتخب ۱۹۷۹)

کارگران صنعتی	۳۴/۸ درصد
دهقانان تعاونی	۱۶/۳ درصد
کارمندان دولت	۱۸/۳ درصد
کادراهای حزب، سنجیکها و جامعه جوانان کمونیست	۱۷/۹ درصد
ارتشیان	۳/۷ درصد
دیگران (نویسندگان، هنرمندان، دانشمندان، معلمان و غیره)	۹/۰ درصد

در انتخابات "شورا" های محلی در فوریه ۱۹۸۰، ۲/۳ میلیون نفر نامزد شدند. در این انتخابات، که به رای مخفی انجام پذیرفت، فقط ۷۷ تن انتخاب شدند. و اما درباره ترکیب "شورا" های محلی: ۴۹/۵ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند، ۳۳/۵ درصد کمتر از ۳۰ سال سن دارند، ۵۶/۹ درصد در حزب کمونیست اتحاد شوروی عضو نیستند، نزدیک به نیمی از آنها برای نخستین بار انتخاب شده‌اند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی: رهبر جامعه

رهبری جامعه شوروی را حزب کمونیست اتحاد شوروی به عهده دارد. این حزب بیش از ۱۷ میلیون کمونیست، یعنی ۹/۳ درصد جمعیت بالاتر از ۱۸ سال این کشور، را در بر می‌گیرد. جدول زیر افزایش روزافزون شماره اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی را در سال‌های ۸۰ - ۱۹۵۵ نشان می‌دهد:

شماره اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی

سال	شماره
۱۹۵۵	۸/۴ هزار
۱۹۱۷	۲۵۰/۰ "
۱۹۲۴	۴۷۲/۰ "
۱۹۴۱	۳/۹ میلیون
۱۹۵۶	۷/۲ "
۱۹۷۶	۱۵/۶ "
۱۹۸۰	بیش از ۱۷/۰ "

جدول زیر نمایانگر تقسیم کمونیست‌ها بر حسب اشتغال آنها در اقتصاد ملی است:

تقسیم کمونیست‌ها بر حسب اشتغال در اقتصاد ملی

اشتغال	درصد
صنعت، ساختمان، ترابری و ارتباطات	۴۷/۰
کشاورزی	۲۰/۵
دیگر شاخه های تولیدی	۵/۵
علم	۴/۳
فرهنگ، آموزش و پرورش، بهداشتی و هنر	۱۲/۴
مدیریت نهادهای دولتی و اقتصادی، دستگاه حزبی و سازمان‌های توده‌ای	۸/۶
خدمات	۱/۷

رفاه اجتماعی و حقوق بنیادی شهروندان شوروی

با نخستین برنامه پنج ساله (۱۹۲۹-۳۲) روند صنعتی کردن گسترده اتحاد شوروی آغاز شد. پس از آن که قانون اساسی ۱۹۱۸ حق کار (حقی که بدون آن دیگر حقوق و آزادی‌ها بی‌ارزش است) را مقرر داشت و اقدامات موثر برای تضمین این حق به عمل آمد. چندی نگذشت که بیکاری برای همیشه از جامعه شوروی رخت بر بست. از آن هنگام تاکنون، نه تنها کمونیست‌ها بلکه مایه‌ها کارگران، بلکه هم چنین درآمد آنها به طور مداوم رو به افزایش بوده است.

در اتحاد شوروی، با بهای دستمزد یا حقوق، که پاداش کار زحمتکش است، منبع درآمد دیگری نیز به نام "صندوق مصرف اجتماعی" وجود دارد. مهم ترین مصارف این صندوق عبارتست از: آموزش و پرورش (در همه سطوح) رایگان، بهداشتی رایگان، کرایه خانه بسیار نازل، بورس دانشجویی و کمک

در دوران برنامه پنج ساله دهم اتحاد شوروی (۸۰-۱۹۷۶)، برای نخستین بار، میانگین تولید سالیانه غلات از مرز ۲۰۰ میلیون تن گذشت. جدول زیر اطلاعات بیشتری در این باره بدست می‌دهد:

میانگین تولید سالیانه برخی از فرآورده های کشاورزی (به میلیون تن)

سال	۱۹۶۵-۱۹۶۱	۱۹۶۶-۷۰	۱۹۷۱-۷۵	۱۹۷۶-۸۰
غلات	۱۳۰/۲	۱۶۷/۶	۱۸۱/۶	۲۱۹/۰
پنبه خام	۴/۹۹	۶/۱	۷/۷	۸/۵
چغندر قند	۵۹/۲	۸۱/۱	۷۶/۰	۹۵/۵
سیب زمینی	۸۱/۶	۹۴/۸	۸۹/۸	۹۵/۰
سبزیجات	۱۶/۹	۱۹/۵	۲۳/۰	۲۴/۵

در دهه گذشته میانگین تولید سالیانه فرآورده های دامپروری، نیز روبه افزایش بوده است. این افزایش برای گوشت ۷۲ درصد، برای شیر ۴۸ درصد، برای تخم مرغ ۱۱۲ درصد و برای پشم ۳۲ درصد بوده است. جدول زیر اطلاعات بیشتری در این زمینه بدست می‌دهد:

تولید فرآورده های دامپروری (میانگین سالانه)

سال	۱۹۶۵-۱۹۶۱	۱۹۶۶-۷۰	۱۹۷۱-۷۵	۱۹۷۶-۸۰
گوشت (میلیون تن)	۹/۳	۱۱/۶	۱۴/۰	۱۴/۶
شیر (میلیون تن)	۶۴/۷	۸۰/۶	۸۷/۴	۹۴/۱
تخم مرغ (هزار دانه)	۲۸/۷	۳۵/۸	۵۱/۴	۶۰/۶
پشم (هزار تن)	۳۶۲/۰	۳۹۸/۰	۴۴۲/۰	۴۵۲/۸

چنانکه جدول زیر نشان می‌دهد، در سال‌های ۷۹-۱۹۱۳، مصرف سرانه گوشت در سال ۲ برابر، شیر بیش از ۲ برابر، تخم مرغ نزدیک به ۵ برابر، ۵ برابر، سبزی ۲/۳ برابر و میوه بیش از ۳ برابر شده است. از سوی دیگر، مصرف سرانه مواد آردی کاهش یافته است:

مصرف سرانه برخی از فرآورده های غذایی (سال)

سال	۱۹۱۳	۱۹۷۹
گوشت (کیلوگرم)	۲۹	۵۸
شیر (کیلوگرم)	۱۵۴	۳۱۹
تخم مرغ (دانه)	۴۸	۲۳۳
شکر (کیلوگرم)	۸/۱	۴۲/۸
سبزیجات (کیلوگرم)	۴۰	۹۵
میوه (کیلوگرم)	۱۱	۳۸
فرآورده های آردی	۲۰۰	۱۳۹

توسعه همه جانبه ترابری

پایای توسعه همه جانبه صنعت، کشاورزی و زیرساختار اقتصادی، همه اشکال ترابری کالا و مسافر در سال‌های ۷۹-۱۹۱۳ روند چشمگیری را پیچیده است. برای نمونه، چنانکه جدول زیر نشان می‌دهد، ترابری کالا در رشته راه آهن، نزدیک به ۴۳ برابر شد. این افزایش برای مسافران راه آهن، بیش از ۱۴ برابر بود:

ترابری کالا (هزار میلیون تن - کیلومتر)

سال	۱۹۱۳	۱۹۴۰	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۹
راه آهن	۷۶/۴	۴۲۰/۷	۱۹۵۰/۲	۲۴۹۴/۶	۳۳۵۰/۵
راه دریایی	۲۰/۳	۲۴/۹	۳۸۸/۸	۶۵۶/۱	۸۴۴/۳
آبراه های داخلی	۲۸/۹	۳۶/۱	۱۳۳/۹	۱۷۴/۰	۲۳۲/۸
لوله نفت و فرآورده های نفتی	۰/۳	۳/۸	۱۴۶/۷	۲۸۱/۷	۱۱۴۰/۷
وسایل موتوری	۰/۱	۸/۹	۱۴۳/۱	۲۲۰/۸	۴۱۸/۰
راه هوایی	-	۰/۰۲	۱/۳۴	۱/۸۸	۲/۹۱

ترابری مسافر (میلیون)

سال	۱۹۱۳	۱۹۴۰	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۹
راه آهن	۲۴۹	۱۳۷۷	۲۲۰۱	۲۹۳۰	۳۵۶۶
راه دریایی	۳/۷	۹/۷	۳۷/۲	۳۸/۵	۵۲/۹
آبراه های داخلی	۱۱/۵	۷۳/۴	۱۳۴	۱۴۵	۱۳۷/۰
وسایل موتوری	-	۵۹۰	۱۸۶۵۷	۲۷۳۴۴	۴۱۲۷۳
راه هوایی	-	۰/۴	۴۲/۱	۷۱/۴	۱۰۲/۰

بازرگانی خارجی

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با ۱۳۱ کشور جهان روابط بازرگانی دارد. مواد سوخت و انرژی ۳۵/۶ درصد و ماشین آلات و تجهیزات صنعتی ۱۹/۶ درصد صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. اتحاد شوروی به ویژه گوشت می‌کند که سهم اقلام اخیر را در صادرات خود بالا برد ۴۲ درصد واردات اتحاد شوروی را ماشین آلات و تجهیزات صنعتی تشکیل می‌دهد.

این بیکره برای کالاهای مصرفی ۳۱ است.

حجم مبادلات بازرگانی اتحاد شوروی، که در سال ۱۹۵۰، تنها ۳۰۰۰ میلیون روبل بود، در سال ۱۹۶۰ به ۱۰۰۰۰ میلیون روبل، در سال ۱۹۷۰ به ۲۲۰۰۰ میلیون روبل و در سال ۱۹۷۹ به ۸۰۳۰۰ میلیون روبل رسید.

جدول زیر اطلاعات بیشتری درباره ترکیب بازرگانی خارجی اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۹ به دست می‌دهد:

* در سالهای ۷۹-۱۹۱۳، مصرف سرانه (در سال) تقریباً همه فرآورده های غذایی در اتحاد شوروی چندین برابر شده است.

* در سده دهه گذشته مبادلات بازرگانی اتحاد شوروی بیش از ۸ برابر شده است.

* در اتحاد شوروی نزدیک به ۶۹٪ نمایندگان شوراهای محلی، کارگر یا دهقان هستند.

* حزب کمونیست اتحاد شوروی با بیش از ۱۷ میلیون عضو، ۳۹٪ اقراد بالاتر از ۱۸ ساله را در بر می‌گیرد.

* در چهل سال اخیر، میانگین دستمزد ماهیانه زحمتکشان شوروی نزدیک به پنج برابر شده.

* در اتحاد شوروی، عامل اجتماعی نقش بنیادی در تعیین قیمت‌ها دارد.

* دستاوردهای اجتماعی - فرهنگی اتحاد شوروی در سطح جهانی تقریباً بی‌همتاست.

هزینه های گوناگون. اینک به افزایش میانگین دستمزد و درآمد ماهیانه زحمتکشان در ۴۰ سال اخیر نظری می‌افکنیم:

میانگین دستمزد و درآمد ماهیانه زحمتکشان شوروی (به روبل)

سال	میانگین دستمزد ماهیانه	میانگین درآمد ماهیانه (دستمزد + کمک هزینه از بابت صندوق مصرف اجتماعی)
۱۹۴۰	۳۳/۱	۴۰/۶
۱۹۵۰	۶۴/۲	۸۲/۴
۱۹۶۰	۸۰/۶	۱۰۷/۷
۱۹۶۵	۹۶/۵	۱۲۹/۲
۱۹۷۰	۱۲۲/۰	۱۶۴/۵
۱۹۷۵	۱۴۵/۸	۱۹۸/۹
۱۹۷۹	۱۶۳/۵	۲۲۴/۰

۴۸/۶ میلیون نفر شهروند سالخورده و معلول شوروی نیز بازنشستگی خود را از صندوق مصرف اجتماعی دریافت می‌دارند. سیستم تأمین اجتماعی شوروی همگانی را، که در کنوانسیون های "سازمان بین المللی کار" مقرر شده است، در بر می‌گیرد.

در تعیین قیمت‌ها در اتحاد شوروی، عامل اجتماعی نقش بنیادی را به عهده دارد. قیمت خواربار ثابت و کمتر از هزینه تولید آنهاست. همچنین "زیان" دولت از بابت فروش کالاهایی چون پوشاک کودکان، دارو و مسوجات و غیره، سالیانه بالغ بر هزاران میلیون روبل می‌شود. "زیان" نامبرده را گرانی نسبی کالاهای دیگر، چون ماشین سواری، جواهر آلات و فرآورده های وارداتی، به پیروی جبران نمی‌کند. جدول زیر سهم مهم ترین مصارف گوناگون را در بودجه یک خانواده میانگین نشان می‌دهد:

سهم مهم ترین مصارف در بودجه یک خانواده (میانگین)

نوع مصرف	۱۹۴۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۷۶
خوراکیار	۵۲/۸	۳۸/۱	۳۵/۷	۳۲/۵
منسوجات، پوشاک و لوازم خانه	۱۲/۸	۲۲/۳	۲۱/۳	۲۲/۳
سوخت	۱/۲	۰/۶	۰/۳	۰/۲
فرهنگ و خدمات روزانه	۵/۸	۷/۹	۶/۹	۶/۷
کرایه و نگهداشت خانه	۲/۷	۲/۲	۲/۵	۲/۵
پس انداز مالیات	۴/۸	۲/۹	۴/۶	۷/۱
	۴/۱	۷/۶	۷/۹	۸/۶۰

قانون اساسی اتحاد شوروی حق داشتن مسکن را برای همه شهروندان این کشور مقرر می‌دارد. هر ساله ۱۱-۱۰ میلیون خانه در اتحاد شوروی ساخته و یا باز ساخته می‌شود. جدول زیر شماره خانه هایی را، که در سال های گذشته در اتحاد شوروی احداث گردیده است، به همراه مساحت کل آنها، نشان می‌دهد:

شماره خانه های ساخته شده و مساحت آنها

سال	شماره (هزار)	مساحت (میلیون مترمربع)
۱۹۴۰-۵۰	۵۰۲۲	۲۰۰/۹
۱۹۵۱-۵۵	۶۰۵۲	۲۴۰/۵
۱۹۵۶-۶۰	۱۱۲۹۲	۴۷۴/۱
۱۹۶۱-۶۵	۱۱۵۵۱	۴۹۰/۶
۱۹۶۶-۷۰	۱۱۳۳۳	۵۱۸/۵
۱۹۷۱-۷۵	۱۱۲۲۴	۵۴۴/۸
۱۹۷۶-۸۰	۱۱۲۰۰	۵۵۰/۰

یکی از بزرگترین دستاوردهای اتحاد شوروی خدمات بهداشتی بی‌همتی است. جدول زیر افزایش شماره پزشکان اتحاد شوروی را در چهار دهه اخیر نشان می‌دهد:

کارگران نفت:

گورکن امپریالیسم فرتوت و درنده بریتانیا

بوگی از صفحات درخشان مبارزه ضد امپریالیستی طبقه کارگر ایران



شرکت نفت انگلیس برسمیت شناخته نمی‌شد. در واقع جز زور و حاکمیت قانون جنگل هیچ ضابطه‌ای در کار نبود. کمپانی انگلیسی نفت کارگران را طبق قرارداد از خوائین بختیاری می‌گرفت و برابر مفاد این قراردادها، در صورت فوت کارگر در اثر هر سانحه‌ای، تنها مبلغ ۴۰ ریال به «خان» تعلق می‌گرفت! اما کارگران قهرمان نفت، زیر رهبری اتحادیه‌های خود، که در شورای متحده مرکزی متشکل شده بودند و با کمک بیدریغ حزب توده ایران، سرانجام در این نژ نفوذناپذیر «امپریالیستی» امپریالیستی بریتانیای کبیره رخنه وارد کردند و آن را پلرزه درآوردند.

* ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۵: اعتصاب چهارده روزه کارگران نفت آغاچاری * کارگران و زحمتکشان ایران ادامه مبارزه ضد امپریالیستی خود را در دفاع مستمر و پیگیر از جمهوری اسلامی ایران و گسترش دستاوردهای انقلاب شکوهمند خویش می‌دانند.

سی و پنج سال پیش (۴۰ اردیبهشت ۱۳۲۵) ده هزار تن از کارگران نفت آغاچاری، با یک اعتصاب چهارده روزه کمپانی انگلیسی نفت را به تسلیم در برابر خواستهای خویش واداشتند. کارگران نفت آغاچاری خواستار افزایش دستمزد، تامین حداقل وسایل بهداشتی و بهداشتی و تامین آب آشامیدنی و بیخ بودند.

طبقه کارگر ایران پس از سرنگونی رضاخان مبارزات خود را علیه سلطه استعماری کمپانی نفت انگلیس و ایران شدت بخشید. ولی بدون تشکل در اتحادیه‌های صنفی، کارگران قادر به تامین خواستهای تاریخی خویش نبودند. با کمک همه‌جانبه حزب توده ایران، شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۱۳۲۳ اعلام موجودیت کرد و تنها پس از یکسال، در جشنهای اول ماه مه، فقط در تهران هشتاد هزار و در شهرستانها قریب به سیصد هزار کارگر، زیر رهبری شورای متحده روز کارگر را جشن گرفتند و این رقم در یکسال بعد (۱۱ اردیبهشت ۲۵) به هفتصد هزار تن رسید.

طبقه کارگر ایران زیر رهبری شورای متحده مرکزی مبارزات خود را همزمان درجهبه تامین خواستهای صنفی (تدوین قانون کار) و سیاسی (طرد سلطه استعماری امپریالیسم بریتانیا بویژه از صنعت نفت مبین) هماهنگ کرد. ثمره این مبارزه، بویژه در ستون فقرات کارگران کشور، که در تاسیسات نفت جنوب متمرکز شده بود، کاملاً محسوس و بارز بود.

از اوایل سال ۱۳۲۴ اعتصاب‌های کارگری در مناطق نفتی جنوب شدت می‌گرفت. اعتصاب اردیبهشت‌ماه این سال در شهر آبادان سرانجام در اوایل تیر نتیجه بخشید و دستمزد روزانه کارگران از ۲۴ ریال به ۳۰ ریال، از ۳۰ ریال به ۳۵ ریال و از ۳۶ ریال به ۳۸ ریال افزایش یافت، بگونه‌ای که در این سال و در نتیجه اعتصاب اوایل تیرماه، کارگران پالایشگاه آبادان، مجموعاً پنج هزار تن از کارگران مشمول ثمرات آن، یعنی افزایش دستمزد شدند. اتحادیه‌های کارگران شرکت نفت در همه بنگاههای این شرکت گسترش یافت و حق علی-بودن را بدست آورد.

در اینجا بی‌مناسبت نیست که شمه‌ای از شرایط کار و زندگی زحمتکشان صنعت نفت را مرور کنیم و دریابیم که چرا در این عرصه، کارگران نفت، ستاد رزمنده طبقه کارگر ایران را رهبری می‌کردند.

کارگران نفت جنوب حداکثر ۴۰ ریال در روز دستمزد می‌گرفتند. این رقم برای کارگران هندی حداقل ۲۰ ریال بود. در حالی که کارگران ایرانی در کپرها و بیغوله‌ها می‌زیستند و سلامت و بهداشت آنان در معرض انواع بیماریها قرار داشت. کارگران در گرمای طاقت‌فرسای جنوب، بدون آب آشامیدنی و بیخ امکان کار و زندگی نداشتند. هزینه بیخ بیشترین سهم از دستمزد مختصر آنان را می‌بلعید، هیچگونه قانونی از سوی

در چنین شرایطی بود که اعتصاب اردیبهشت‌ماه نفتگران آغاچاری، بعنوان حلقه ضروری در مجموع سلسله مبارزات بی‌امان کارگران، دولت ارتجاعی قوام را با بحران مواجه کرد، بویژه آن که این موج بمنابهمقدمه‌ای، حوادث ۴۳ تیر آن سال را بشارت می‌داد.

دولت دست‌نشانده امپریالیسم بریتانیا، که مناسبات محکمی با امپریالیسم آمریکا نیز داشت، نه تنها خواستهای حق کارگران آغاچاری را سرانجام پس از دو هفته پذیرفت، بلکه درصدد برآمد، تا براین موج سوار شود و آن را مهار کند. چنین شد که زیر فشار کارگران که در سازمان واحد سراسری خود، شورای متحده مرکزی متشکل شده بودند، همزمان (اردیبهشت ۲۵) دولت قوام قانون کار را به تصویب رساند و اعلام کرد که آن را تاتشکیل مجلس پانزدهم «بطور آزمایشی» بمرحله اجرا خواهد گذاشت. در این قانون بخوبی می‌توان انعکاس توان و رشد جنبش کارگری و خواستهای تاریخی طبقه کارگر ایران را دید. مطابق این قانون ۸ ساعت کار روزانه، یک روز تعطیلی در هفته و دو هفته مرخصی سالیانه (با حقوق) و ممنوعیت کار کودکان تا ۱۳ سالگی برسمیت شناخته می‌شد و قانونی بود، هرچند این قانون در بسیاری از جهات روی کاغذ باقی مانده.

بعداً کمپانی نفت انگلیس و ایران رهبران اعتصاب اردیبهشت ماه را دستگیر و از کار برکنار کرد، از پرداخت حقوق روزهای تعطیل سر باز زد و از تامین سهمیه نان و خواربار کارگران خودداری کرد. دسته‌های مسلح مزدور بریتانیا رهبران اتحادیه‌های کارگری و فعالین سندیکایی را تیر می‌کردند و بدین وسیله می‌کوشیدند با ایجاد جو ارعاب و وحشت، از رشد آگاهی و تشکل کارگران جلوگیری و حاکمیت نواستعماری خویش را چندصباحی از تعرض مبارزه متحد زحمتکشان مصون نگه‌دارند.

از آن روز تاریخی سی و پنج بهار میگذرد. اینک ما در سومین بهار آزادی هستیم. به برکت انقلاب بزرگ مردم ایران، ضربات سهمگینی بر سلطه امپریالیسم انگلستان و آمریکامتحدان و دست‌نشانده‌های آنها، نه فقط در مین انقلابی ماه، بلکه در سراسر منطقه وارد آورده است. امروز کارگران و زحمتکشان ایران مبارزه ضد امپریالیستی خود را در شرایط دیگری پی‌میگیرند و می‌روند که نفوذ امپریالیسم را در همه اشکال آن، از ایران عزیز ریشه کن سازند. کارگران و زحمتکشان، متحد و یکصد، در مرکز لشکر نیست میلیونی خلق، به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌اند و در فریاد «مرگ بر آمریکا» مؤده‌رسان زایش نوزاد آینده شکوفای مبین خویش‌اند.

جشن اول ماه مه در محل سندیکای بافنده سوزنی

« تدوین قانون کار و تامین اجتماعی انقلابی با مشارکت نمایندگان کارگران. - ادامه مصادره و ملی کردن صنایع بزرگ وابسته، - اجرای بند «ج» و «د» اصلاحات ارضی مبنی بر مصادره اراضی بزرگ - مالکان، - لغو سیستم کارمزدی و ایجاد سیستم روزمزدی، - کارگران زن می‌بایست درازای کار برابر، از حقوق و مزایای برابر با کارگران مرد برخوردار باشند.

پس از سخنرانی یکی از کارگران سالمند در مورد سختی‌ها و مشقاتی که کارگران ایران در سالهای گذشته تحمل کرده‌اند، یک قطعه سرود توسط کمیته فرهنگی اجرا شد. در این قطعه طنزگونه، به عملکرد لیبرال‌ها و روابط آنها با «موسام» اشاره شده بود. آنگاه نمایشنامه‌ای اجرا شد و پس از آن قطعه‌نامه جشن، که پایان‌بخش برنامه بود، خوانده شد. در این قطعه‌نامه برخواستهای کارگران، از جمله در موارد زیر تاکید شده است:

روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰، مراسم جشن اول ماه مه، از طرف سندیکاهای کارگران کفشی، خیاطه، قناده، فلزکار مکانیک، خم کار توبوردکار، سازندگان ظروف فلزی و شورای اسلامی بافنده سوزنی، در محل سندیکای بافنده سوزنی برگزار شد. در آغاز جشن، یکی از اعضاء هیئت مدیره سندیکای کارگران قناده به شرکت کنندگان خوش آمد گفت و پس از اعلام برنامه، تاریخچه اول ماه مه را برای حاضرین بازگو کرد.

نامه حزب توده ایران

پیشنهادهای حل مسئله کردستان بر مبنای پیام تاریخی ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در جهت خودمختاری (یا خودگردانی) اداری و فرهنگی مردم کردستان: ۱- فراخوانی هرچه سریع‌تر هیئت‌های هفت نفری جهت حل مسئله زمین؛ ۲- اجرای طرحهای احیاء دامداری و کشاورزی و ایجاد تسهیلات لازم؛ ۳- رفع هرچه سریع‌تر محاصره اقتصادی روستاهای منطقه؛ ۴- اجرای طرح‌های عمرانی کوتاه و بلندمدت جهت جذب خیل بیکاران؛ ۵- تجدیدنظر جردی در مسئله پاکسازی ادارات و آموزش و پرورش؛ ۶- مهمترین مسئله، اعتماد به مردم و به کارگیری انرژی و خلاقیت آنها در حل مسائل مبتلابه شهری، از طریق شوراهای اداری، مساجد، مدارس، روستاها... و گزارش دقیق آنچه انجام شده و آنچه انجام می‌شود، با ذکر موانع واقعی در راه تحقق آنها، به مردم.

در کارخانه پشم بافی افشار یزد:

کارگران با افزایش تولید و طرح اصولی خواستهای خود، به وظایف انقلابی خویش عمل می‌کنند

در کارخانه پشم بافی افشار یزد ۵۰۰ کارگر در دونوبت و در قسمت‌های مختلف ریسندگی، بافندگی، رنگریزی، و تکمیل مشغول به کارند. محصول عمده کارخانه انواع مختلف پتوهای پشمی و پارچه‌های فاستونی است. بیشتر سهام این کارخانه به بخش خصوصی تعلق دارد و هنوز ملی نشده است.

کارخانه پشم بافی افشار یزد بعد از پیروزی انقلاب نه تنها دچار کاهش تولید نشد، بلکه به علت فعالیت پی‌گیر کارگران آگاه و انقلابی این کارخانه، اضافه تولید چشمگیری داشت. برای مثال اضافه تولید در سال ۵۹ نسبت به سال قبل ۱۲٪ بود. همچنین با شروع جنگ تحمیلی، کارگران این کارخانه، با دادن کمک‌های نقدی و جنسی به جنگ‌زدگان و نیز اعزام عده‌ای از کارگران به جبهه‌های جنگ، به وظیفه انقلابی خویش عمل کردند. کارگران این کارخانه، که همواره با عمل خویش، دفاع و پشتیبانی از جمهوری اسلامی خویش را به اثبات رسانده‌اند، خواستهایی به شرح زیر دارند:

- ۱- تشکیل شورا، که به علت موانع موجود از طرف مسئولین، تاکنون عملی نشده است.
۲- ایجاد مجتمع مسکونی برای کارگران، که امکان بوجود آوردن آن از طرف کارخانه با همکاری سازمان عمران اراضی شهری وجود دارد.
۳- شرکت تعاونی مصرف کارخانه با اینکه مقداری از نیازهای کارکنان را برطرف می‌کند، اما جوابگوی نیازمندی‌های کامل آنان نیست. بر مسئولین امر است که در این شرایط گرانی کالاها، با تقویت تعاونی‌ها، با کوچک‌سازی از دوش زحمتکشان بردارند.
۴- تشکیل کلاس‌های سوادآموزی.
۵- حل مشکلات و جواب مثبت به خواستهای کارگران کارخانه پشم بافی افشار یزد آنان را در امر تولید یاری رسانید.

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

اتحاد شوروی - نخستین...

Table with 2 columns: Year (سال) and Value (شماره هزار). Rows show data for 1940, 1945, 1946, 1970, 1979.

Table with 2 columns: Country (کشور) and Value (شماره). Rows list USSR, Germany, USA, and France.

در اتحاد شوروی، آموزش دهساله همگانی و رایگان است. جدول زیر شماره دانش‌آموزان و دانشجویان را در اتحاد شوروی نشان می‌دهد:
شماره دانش‌آموزان و دانشجویان (میلیون)
۱۹۷۸/۷۹ ۱۹۶۵/۶۶ ۱۹۴۰/۴۱
مدرسه‌های عمومی ۴۴/۴ ۴۸/۳ ۳۵/۶
مدرسه‌های متوسطه ۴/۶ ۳/۷ ۱/۰
مدرسه‌های عالی ۵/۲ ۳/۹ ۰/۸
مدرسه‌های حرفه‌ای ۲/۱ ۱/۷ ۰/۷
در اتحاد شوروی، ۸۷۰ مدرسه عالی (از جمله ۶۵ دانشگاه) وجود دارد، که در آنها ۴۳ رشته تخصصی تعلیم می‌یابد.
آمارهای زیر نشان می‌دهد که در اتحاد شوروی هزاران مردم است:
* هر ساله ۱۱۷ میلیون نفر به ۵۷۳ تأثیر حرفه‌ای اتحاد شوروی می‌روند. در اتحاد شوروی به ۴۷ زبان، نمایشنامه اجرا می‌شود. فزون بر این، ۸۰۰۰۰۰ تن در گروه‌های تئاتر آماتور کار می‌کنند.
* در اتحاد شوروی، هر ساله ۲۸۵ فیلم در ۳۹۹ استودیو بساخته می‌شود.
* در اتحاد شوروی، ۲۳۶ بنگاه انتشاراتی هر ساله ۸۵۰۰۰ کتاب گوناگون را در ۱۹۰۰ میلیون نسخه و ۱۰۹ زبان در اختیار مردم قرار می‌دهند. در این کشور، هر ساله ۲۰۰۰۰ اثر نویسندگان خارجی در ۱۲۰ میلیون نسخه انتشار می‌یابد.
* در اتحاد شوروی، ۳۵۰۰۰۰ کتابخانه در خدمت ۲۰۰ میلیون نفر قرار دارد.
* در اتحاد شوروی، سالیانه ۱۴۰ میلیون نفر از ۱۴۰۰ موزه این کشور دیدار می‌کنند.

واگذاری زمین و تامین آب زراعی کافی، دو خواست عمده روستائیان اطراف شهرستان قم

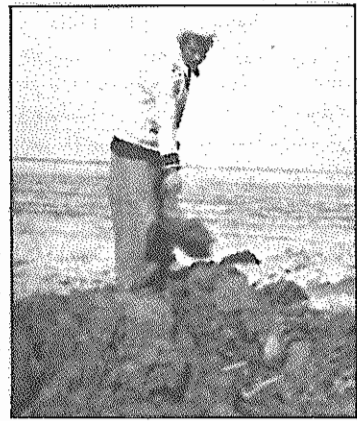
ویژه روستاهای شهر قم

همراه این چهار عکس باد دهقانان اطراف قم آشنا شویم

سخنان و مشکلات و خواستههای دهقانان اطراف شهر قم را در این صفحه میخوانید. چهره‌های این مردان کار و کوشش و بیداری و حق طلبی را در این تصاویر می‌بینیم.



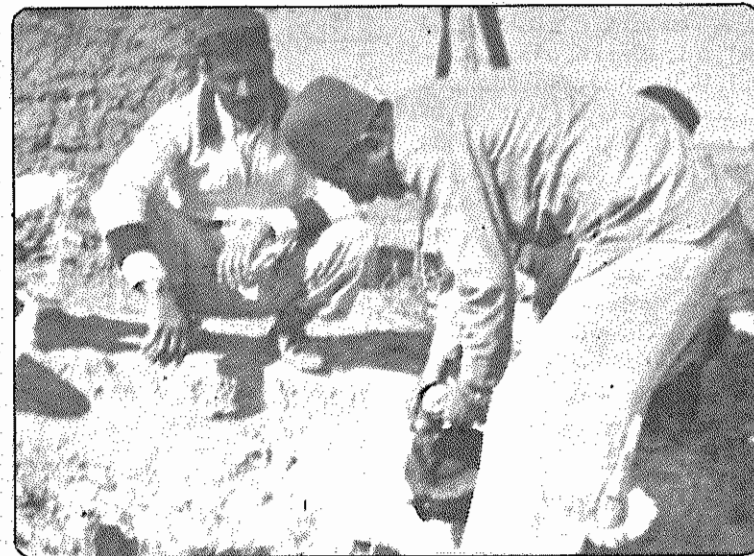
مشهدی حسین از دهقانان اطراف قم: این زمین‌ها باید به مادا ده شود. آخر مالک که کار نمی‌کند. چه کسی این زمین را به این صورت در می‌آورد و صبح تا شب آبیاری می‌کند؟ ما!



مشهدی عباس، از هیئت واگذاری قم، زمین گرفته است و مشغول کار تولید است.



مشهدی عبدالله جوی آب را صاف می‌کند. بی-آب که زمین بارور نمی‌شود.



دستان درد نکند. پس از آنکه کار یک جرعه چای می‌چسبید. مشهدی محمد مبارکی، که چای می‌ریزد: انقلاب حتماً پیروز است، چون پشتیبان آن مردم زحمتکش کشاورز و مستضعف است. و مسلم غلامی: ما بهارگان‌ها و شخصیت‌های انقلابی مراجعه می‌کنیم.

کوشش در صدد رفع این معضل برآمد. حل دیگر خواست‌های روستائیان مانند، احداث مدرسه، جاده، حمام، ایادیش، مانند پسر اویسی‌خان، بر آنها روا داشته بود، سخن‌ها می‌گویند. گذشته از مسئله زمین، که مهم‌ترین خواست دهقانان است و باید فوراً و حتماً به این خواست به حق رسیدگی کرد، رفع مشکل کمبود آب آشامیدنی و بخصوص آب زراعی نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. مسئله کمبود آب زراعی مسئله ساده‌ای نیست. باید با نهایت سعی و

دهقانان در صحبت‌های خود به زمان طاغوت اشاره می‌کنند و از ظلم و ستم‌هایی که رژیم شاه ملعون و ایادیش، مانند پسر اویسی‌خان، بر آنها روا داشته بود، سخن‌ها می‌گویند. گذشته از مسئله زمین، که مهم‌ترین خواست دهقانان است و باید فوراً و حتماً به این خواست به حق رسیدگی کرد، رفع مشکل کمبود آب آشامیدنی و بخصوص آب زراعی نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. مسئله کمبود آب زراعی مسئله ساده‌ای نیست. باید با نهایت سعی و

● امام خمینی: خیال نکنید املاک‌ی که از گردن کلفتها گرفته شده است، حکومت اسلامی می‌گوید اینها را گرفته و بخودشان بدهید، بلکه یکایک را نشانده و از آنها حساب می‌کشد.

قاطعیت انقلابی هیئت ۷ نفری روستای قلعه سلطان باجی نمی‌شود. این روستا ۱۵ کیلومتر تا جاده قم فاصله دارد. اهالی زمستان‌ها از آب رودخانه استفاده می‌کنند. در این روستا آب لوله‌کشی، برق، حمام و دیگر امکانات اولیه وجود ندارد.

ملک آباد

* روستای ملک‌آباد (۱۴ کیلومتری شهر قم ۵ خانوار خوش‌نشین و ۸ خانوار خرده‌مالک) به گفته یکی از اهالی روستا به نام اکبر، که متصدی چاه در قمرود است، نسبت به روستاهای اطراف نمونه است و بازده محصول بسیار خوب است.

کل زمین‌های مزرعی این روستا ۱۶۰۰ هکتار است، که ۶۰۰ هکتار آن بوسیله ۱۰ نفر از دهقانان کاشت می‌شود و ۱۰۰۰ هکتار بقیه توسط دو بزرگ‌مالک، که یکی از آنها سرهنگ است.

خواست دهقانان خوش‌نشین این روستا واگذاری عادلانه زمینهای مالکان عمده است، که در قانون نیز پیش‌بینی شده و اگر بندهای "ج" و "د" آزاد شود، حق به‌حق دار خواهد رسید.

روستائیان ملک‌آباد از نظر نبودن آب لوله‌کشی و بهداشتی و درمانگاه بسیار در مضیقه هستند. آب آشامیدنی روستا، که از رودخانه تامین می‌شود، بهداشتی نیست و حامل بیماری‌های فراوان است. بعلاوه تعداد کم دانش‌آموزان، مدرسه نیز وجود ندارد. بچه‌های روستائیان یا مجبورند به قمرود بروند و یا اصلاً قید تحصیل را بزنند و در کنار پدرانشان به کار کشاورزی بپردازند.

روستائیان از مقامات مسئول می‌خواهند که به معضلاتشان رسیدگی شود.

خورآباد

* بیشتر اهالی روستای خورآباد خرده‌مالکند (۱۲ کیلومتری قسم). جمعیت روستا در حدود ۲۵۰ خانوار و جمعاً ۱۰۰۰ نفر است. روستائیان خورآباد از نظر آب آشامیدنی و زراعی در مضیقه هستند. اهالی تا بحال برای حفر چاه ۸۰۰ هزار تومان پول خرج کرده‌اند، اما متأسفانه به شن خورد و عملاً غیر قابل استفاده است. جهاد سازندگی به اهالی قول کمک داده است.

هر هفته یکبار پزشک به این روستا می‌آید. روستائیان خواهان احداث درمانگاه و حضور دائمی پزشک در این روستا هستند. تنها مدرسه ابتدایی روستا در دو نوبت صبح و عصر پسرانه و دخترانه، کار می‌کند.

یکی از روستائیان، بنام مرادی درباره انقلاب می‌گوید: "ما از این انقلاب بسیار راضی هستیم و امیدواریم که امام زنده‌بادش و به رهبری خود ادامه دهد."

کولبار سالیان دراز با سامانی زندگی، ظلم و ستم و فقر و رنج بر دوش دهقانان روستاهای اطراف شهرستان قم سنگینی می‌کند. اهالی روستاهای قمرود، قلعه سلطان باجی، ملک‌آباد و خورآباد از داشتن امکانات اولیه زندگی محرومند. اگر چه نحوه کشت و آبیاری زمین‌ها بطور عمده به صورت خرده‌مالکی است، ولی هستند خوش‌نشینانی که در کنار خرده‌مالکان زندگی می‌کنند، و از خود زمینی ندارند و برای بزرگ‌مالکان کار می‌کنند. شوراها ده هنوز در بسیاری از این روستاها تشکیل نشده است. از دیگر مشکلات اهالی، کمبود آب و بخصوص آب زراعی است. جهاد سازندگی کمک‌هایی به اهالی این روستاها کرده است، اما نه بطور همه‌جانبه و کافی. هیئت واگذاری زمین به برخی از این روستاها آمده است و زمین‌های عده‌ای از بزرگ‌مالکان را به دهقانان بیدست واگذار کرده است. تنها دو روستای قمرود و قلعه سلطان باجی در هیئت ۷ نفری از خود نماینده دارند. هیئت واگذاری زمین شهرستان قم در اطلاعیه خود بر اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی تأکید کرده است. با وضع این روستاها بیشتر آشنا می‌شویم.

قمرود

دهقانان، می‌گوید: "بیا بیا برای ما چاه بزنند... پول چاه را پس از برداشت محصول از ما بگیرند."

مسلم غلامی، یکی دیگر از دهقانان، خواهان کمک دولت انقلاب و نهادهای انقلابی است. او می‌گوید: "ما از هیئت دولت تقاضا داریم که به خواسته‌های ما رسیدگی کامل نمایند. البته ما چندبار به ارگان‌ها و شخصیت‌های انقلابی، از جمله هیئت و آیت‌الله منتظری مراجعه

● هیئت واگذاری زمین شهرستان قم: «با اجرای بند «ج»، لایحه اصلاحات ارضی و تقسیم زمین بین کشاورزان، از مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری کرده و میلیونها کشاورز را به انقلاب اسلامی امیدوار نموده و کشور را به خودکفایی کشاورزی برسانیم، تا جنگ تحمیلی شیطان بزرگ را در هم شکنیم.»

نموده‌ایم. همگی روستائیان از انقلاب و رهبری آن قاطعانه پشتیبانی می‌کنند. مشهدی محمد درباره جنگ تحمیلی رژیم صدام می‌گوید: "صدام که کارش تمام است و آمریکا نیز هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و ببخود این همه دست‌وپا می‌زند. انقلاب حتماً پیروز است، زیرا که پشتیبان آن مردم زحمتکش کشاورز و مستضعف هستند. تمام نقشه‌های دشمنان نقش بر آب است."

آب آشامیدنی از رودخانه تامین می‌شود و بسیار شور است، دکتر هر دو هفته یکبار به این روستا می‌آید و در اواخر مشغول ساختن درمانگاه در روستای قمرود هستند. امیدواریم هرچه زودتر توقف بند "ج" و بند "د" رفع شود و هیئت بتواند دیگر زمین‌های بزرگ‌مالکان را به دهقانان زحمتکش واگذار کند. فراموش نکنیم که تامین آب زراعی کافی برای کشت دهقانان، اهمیت حیاتی دارد، و همانطور که یکی از دهقانان گفت: "زمین را بدون آب نمی‌شود کشت کرد"

قلعه سلطان باجی

* در روستای قلعه سلطان باجی، مجاور روستای قمرود، حدود ۶۵۰ هکتار از اراضی بزرگ‌مالکان این روستا بین ۱۴-۱۲ نفر دهقان از ۱۶ خانوار این روستا تقسیم شد. نمایندگان روستا در هیئت ۷ نفری به گفته دهقانان، بسیار زحمت می‌کشند. در جهت مقابل، ۲ نفر از ایادی مالکان سعی می‌کنند با اعمال فشار و از غاب نسبت به مقامات مسئول و نهادهای انقلابی، آب رفته را بار دیگر به جوی بازگردانند، اما دیگر فایده ندارد و هیچ چیز مانع از

جنگ زمینداران بزرگ است. کل زمینهای مصادره شده در حدود ۱۲۰ هکتار است و به دهقانان ۱۵ هکتار زمین رسیده است و ۸ نفر از دهقانان در این ۱۲۰ هکتار شریکند. یکی از روستائیان که عقیده دارد این عمل باید با تدابیر دیگری تکمیل شود، می‌گوید:

"بعضی اینکه زمینها میان کشاورزان تقسیم شد، مالک آمد و در چاه‌ها را بست. آخر شما بگوئید که زمین بدون آب به چه دردی خورد؟" در حال حاضر آب زراعی مورد احتیاج دهقانان از یک رودخانه تامین می‌شود، که هر آن امکان قطع شدن آب هست. از ۵ سهم آب‌نهر، ۴ سهم آن متعلق به مالکان و یک سهم متعلق به دهقانان است. تازه ۱ سهم دهقانان به ۱۰ قسمت تقسیم می‌شود.

بخاطر کمبود آب زراعی، کشت اراضی بموقع انجام نگرفته است و زمینی که قاعدتاً "زمان دروی محصولش بود، یا تازه داشتند شخم می‌زدند، یا بایر افتاده بود.

دهقانان زمین‌های یک بزرگ‌مالک را، که تمارض می‌کند، به نسبت ۲ به ۱ می‌کارند. البته یک قسمت از زمین‌ها تقسیم شده است، اما هنوز ۶۰ هکتار آن در اختیار مالک است. دهقانان این زمینها را شخم زده‌اند تا بی حاصل نماند و در انتظار تعیین تکلیف قطعی هستند. این زمین‌ها آب ندارند و دهقانان انتظار دارند که جهاد سازندگی و یا هیئت ۷ نفری آن‌ها را در ساختن نهر یاری‌رسانند. روستا همراه با چاه آب این روستاها و اکذار شده است. چاه‌های آب اراضی ذکر شده با پرداخت وام دولتی و همکاری دانشجویان احداث شده است. البته تعدادی از این چاه‌ها نیمه‌کاره و ناقص است. مشهدی محمد مبارکی، یکی از

نامه حزب توده ایران - سازمان سقز به فرماندار این شهر: با پاسخگویی به نیازهای مردم سقز، دست‌زد انقلاب را از این منطقه کوتاه کنید

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران:

حاکمیت در دوران پس از پیروزی انقلاب

مهم‌ترین پیامد پیروزی انقلاب شکوهمند ایران درهم شکسته شدن سلطه غارتگرانه امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر مین، و سرنگون شدن رژیم استبدادی سلطنتی بود که در حقیقت چیزی جز تبلور حاکمیت بزرگ - مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم جهانی سرکردگی خاندان پهلوی نبود.

پس از پیروزی انقلاب، برای به قدرت رسیدن نیروهای جبهه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی که در آن طیف پهناوری از نیروها منجمله کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، کسبه، روشنفکران و سرمایه‌داری لیبرال قرار داشتند، هموار گردید. در این جبهه گرایش‌های گوناگون سیاسی، از طیف وسیع هواداران اسلام تا پیروان پیگیر سوسیالیسم علمی، شرکت داشتند. برجسته‌ترین شخصیت مذهبی-سیاسی و اجتماعی دوران اخیر جامعه ما، امام خمینی، که با مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیر خود علیه نظام وابسته و مستبد سلطنتی و تسلط امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از اعتماد وسیع‌ترین اقشار خلق‌های مین ما برخوردار بود، به عنوان رهبر این حاکمیت جدید انقلابی مورد تأیید مردم قرار گرفت.

سرمایه‌داران فراری و عفو جنایتکاران بازداشت شده و تامین "آزادی‌های لیبرالی" برای وابستگان به امپریالیسم و موضع گیری دشمنانه و آشتی ناپذیر علیه پیروان سوسیالیسم علمی در ایران و کشورهای سوسیالیستی، و به تبعیت از آن، دشمنی آشکار با جنبش‌های رهایی بخش ملی و بویژه با جبهه پایداری خلق‌های عرب علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی قرارداد شد. در مقابل این جناح لیبرالی، سمت‌گیری سیاسی جناح مردمی حاکمیت در عین اینکه به خودی خود به هیچ وجه از همگونی و یکپارچگی در هیچ زمینه‌ای برخوردار نبود، بطور عمده در خط عدم سازش با آمریکا، ریشه‌کن کردن تسلط امپریالیستی و در درجه اول تسلط امپریالیسم آمریکا، مجازات خائنین و سرسپردگان اصلی رژیم سرنگون شده، مصادره دارایی خائنین فراری و لزوم انجام اقداماتی در جهت محدود کردن غارت‌گران و به سود محرومان جامعه قرار داشت.

در زمینه برخورد با نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی، با کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های رهایی بخش بین موضع گیری این دو جناح ضمن وجود همگونی‌ها، اختلاف نظرهای جدی که ناشی از همان موضع گیری متفاوت در مناسبات با امپریالیسم جهانی بود، وجود داشت و هنوز هم وجود دارد. اوج درگیری این دو گرایش در آبان ماه ۱۳۵۸ بود که از یک سو جناح لیبرال کار تدارک سازش با امپریالیسم آمریکا را تاحد دیدار و مشاوره با برزیل، یعنی گرداننده همه توطئه‌های خصمانه علیه انقلاب ایران، به پیش برد و در جهت دیگر نیروهای جناح مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب با اشغال ستاد اصلی ضد انقلاب و توسط، یعنی جاسوخانه آمریکا، توطئه سازش تراننش برآب ساخت و دولت لیبرال را برکنار کرد. از این تاریخ حاکمیت جمهوری اسلامی در ترکیب تازه‌ای که بطور عمده نماینده جناح مردمی نیروهای انقلابی است، مستقر گردید.

برکنار شدن دولت نماینده سرمایه‌داری لیبرال به این معنا نبود که لیبرال‌ها از همه دستگاه‌های حاکمیت برکنار شده‌اند، بلکه برعکس برای مدت طولانی در شورای انقلاب نقش بسیار مهم و موثری را حفظ کردند و تا تشکیل دولت جدید، در شهریورماه ۱۳۵۹، تقریباً همه وزارتخانه‌ها را در اختیار خود نگاهداشتند.

به این ترتیب تا تکمیل نهادهای نظام جمهوری اسلامی، یعنی شروع کار مجلس شورای اسلامی و انتخاب دولت و شورای عالی قضایی، حاکمیت دوگانه وجود داشت و حتی گرایش لیبرالی سازش با امپریالیسم آمریکا در عملکرد دولت و بویژه وزیر خارجه آن، حاکم بود. تنها با آغاز کار دولت جدید است که می‌توان گفت که حاکمیت جناح مردمی بر جناح لیبرالی برپایه نسبتاً محکمی استوار گشته‌است.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق!

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سقز، با ارسال نامه‌ای به فرماندار این شهر - که رونوشت آن برای امام جمعه شهرستان سقز و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سقز نیز ارسال شده است - ضمن برشماری نارسائی‌های مبتلابه سقز، خواستار رفع آن‌ها، در حدود امکانات، شده‌است. نارسائی‌های مزبور و راه حل برطرف کردن آنها، به شرح زیر در این نامه آمده است:

"الف- آرزای عمومی و نحوه پخش آن"

همانطور که مستحضرد، بر اثر سیاست درست و انقلابی دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر جیره بندی مواد ضروری از طریق کوپن، می‌توان گفت که دولت توانسته‌است از کمیابی برخی از مواد ضروری جلوگیری نماید و از این طریق دست محکمران و سرمایه‌داران خونخوار تا حدی کوتاه شود، که امید است با اجرای اصل قانونی ملی کردن بازرگانی خارجی، این حرکت انقلابی تکمیل شود. ولی متأسفانه در شهر ما امر جیره بندی و توزیع کوپن، با وجود آغاز مرحله دوم، بطور بسیار ناقص صورت گرفته‌است و در نتیجه نارضایتی بسیاری در میان مردم بوجود آمده است، که ناشی از بی‌توجهی مقامات مسئول است و متأسفانه بهانه تبلیغاتی خوبی برای ضد انقلاب جهت ادامه خرابکاری بدست داده است. برای نمونه، از ۳۲۳ روستای این شهرستان فقط حدود ۳۰ روستا می‌توانند مشمول دریافت کوپن و طرح جیره بندی شوند و بقیه بوسیله محکمران و نزولخواران و رباخوران غارت می‌شوند. با توجه به کثرت جمعیت در روستاها و نیاز روستائیان به تهیه مواد اولیه زندگی، چرا باید این امر مهم و حیاتی فقط به پاکسازی روستاها شود، زیرا در هر حال مردم روستاهای فقر زده سقز مجبورند احتیاجات اولیه خود را در بازار آزاد به قیمت‌های باور نکردنی تهیه نمایند. برای مثال، قند را کیلوئی تا ۳۰ تومان و روغن نباتی (۵ کیلوئی) تا ۳۰۰ تومان و برنج و سایر مایحتاج به همین ترتیب؛ و تازه این در حالی است که هنگام بازگشت به روستا، این مایحتاج در پست‌های بازرسی - در صورت نداشتن مجوز - ضبط می‌شود.

از اعمال چنین سیاستی، جز بازگذاشتن هر چه بیشتر دست ضد انقلاب در جهت تبلیغات هر چه بیشتر علیه دولت انقلاب، چه نتیجه‌ای تا کنون حاصل شده است؟

ب- توزیع نفت

منطقه ما دارای زمستان‌های طولانی است. گاه برودت هوا به ۳۶ درجه زیر صفر می‌رسد. زمستان طولانی همسپری را مجبور می‌کند که برای گرم کردن منازل خود، محدود اقل پنجمه ماه از سال، از منابع نفتی حرارتی استفاده نمایند. نفت مورد نیاز هر خانواده، با توجه به وضع ویژه جنگ با رژیم صدام خائن، از طرف مقامات مسئول شهری و کمیته سوخت، برای هر هفته، ۲۰ لیتر برآورد شده و کوپن ۱۶ نوبتی به تمام خانواده‌ها تحویل شده است (از این نفت برای پخت و پز نیز استفاده می‌شود) ولی در تمام مدت زمستان، بجای ۱۶ نوبت، فقط ۵ نوبت (۲۰ لیتری) به مردم تحویل شده است. در نتیجه، بازار سیاه نفت بوجود آمد و هر بیست لیتری نفت در شهر تا ۳۰۰ تومان خرید و فروش شده و می‌شود.

اخیراً نفت تحویلی به نانوایشها کمتر شده است. در نتیجه نانوایشها زودتر دست از کار کشیده و نان مورد نیاز مردم تامین نمی‌شود، که این نیز خود زمینه‌ساز جدیدی برای ایجاد نا-

رضایتی می‌باشد. آیا واقعا" نفت وجود ندارد؟ فرماندار محترم و دیگر مقامات شهری از انعکاس این کم‌کاری‌ها یا ندانم - کاری‌ها در میان مردم و تبلیغات ضد انقلاب، با استناد به همین کمبودها اطلاع دارند؟

پ- توزیع گازوئیل

اخیراً اداره کشاورزی شهرستان سقز، بدستور اداره کشاورزی استان، اقدام به تحویل گازوئیل به کشاورزان منطقه نموده است که این اقدام قابل تقدیر و جای امید است، چرا که می‌بایست کشت بهاره امسال به سرانجام کشت پاییزه سال گذشته دچار نشود. اطلاع دارید که سال گذشته بر اثر نبودن گازوئیل بسیاری از زمینهای قابل کشت بلااستفاده ماند. کمیته سوختی که تشکیل شده، بر اساس مقررات ویژه‌ای که وضع نموده است، به کلیه کشاورزان گازوئیل مورد نیاز را می‌دهد، اما متأسفانه عناصری غیر-مسئول (یا مسئول؟) از تحویل گازوئیل خودداری کرده‌اند و این درست بر-خلاف رهنمودهای رهبر انقلاب و آیت‌الله منتظری درباره کسک به کشاورزان می‌باشد. کشاورزان ما اکنون با رغبت، از رهنمودهای رهبر انقلاب پشتیبانی کرده و در صدد کشت هر چه بیشتر در جهت خودکفائی می‌باشند.

ت- آموزش و بهداشت

آموزش و پرورش شهرستان سقز، در سالی که گذشت، متأسفانه نمی‌تواند مدعی اجرای پیام امام خمینی در زمینه جهاد سوادآموزی باشد، زیرا مدارس شهری بطور نامرتب باز بوده، کلاس‌های پیکار بطور کلی تعطیل بوده و دبیرستان‌ها نیز غالباً تعطیل بوده‌اند. مدارس روستائی (جز چند روستا) بطور کلی فعالیت نداشته‌اند و روستائیان این مناطق از نعمت سوادآموزی بی‌بهره بوده‌اند. توجه نکردن به این مسائل و نیافتن راه حل صحیح و اصولی برای آن توانسته است نارضایتی بسیاری را در سطح منطقه بوجود آورد.

در زمینه بهداشت، کلیه درمانگاه‌های روستائی، جز ۲ واحد آنها، تعطیل است. کارهای بهداشت محیط و مبارزه با بیماری‌های واگیر و عملیات صحرائی بطور کلی به حالت تعطیل درآمده است و مقامات شهری در این زمینه اقدام قابل توجهی انجام نداده‌اند.

ث- فعالیت‌های عمرانی-بیکاری روزافزون

فعالیت‌هایی که ارگانهای دولتی و جهاد انجام داده‌اند بیشتر در زمینه ساختن و تعمیر مدارس، مساجد، و اسفالت خیابان‌ها، آن‌هم در سطحی بسیار محدود بوده است. و این در حالی است که می‌توان فهرست بلند بالایی از نیازها و احتیاجات مردم را بدست داد. (در همین رابطه شایعاتی از طرف ضد انقلاب، پیرامون بودجه هزینه مصرفی تعمیر خیابان فرح سابق دامن زده می‌شود. شایسته است برای خنثی کردن این تبلیغات، هزینه‌های مصرفی و بودجه منظور شده، برای اطلاع مردم اعلام شود).

اکنون فصل کار فرا رسیده است. شروع این کارها می‌تواند تعداد زیادی از کارگران فصلی را جذب نماید. ولی متأسفانه صاحب کاران از لحاظ مصالح ساختمانی در مضیقه هستند. بخصوص آجر و آهک، که فرمانداری، با کسودن جاده‌های اطراف، می‌تواند مصالح مورد نیاز کارهای عمرانی را تامین نماید و نیز کوره‌های آهک-پزی محلی بکار افتد. صاحبان کوره‌های محلی، در مراجعه مردم به آنها برای آهک، اظهار می‌دارند: "دستور داده‌اند آهک نغروشیم".

با کسودن جاده‌ها برای ورود مصالح ساختمانی، می‌توان نارضایتیها را کاهش داد، می‌توان ضد انقلاب را با اقدامات سنجیده افشا و طرد کرد، مشروط به این که به مردم اعتماد داشت. یکی دیگر از نهادهای عمرانی جهاد سازندگی است که متأسفانه هنوز فعالانه شروع بکار نکرده است. ما امیدواریم این نهاد هر چه زودتر فعالیت‌های عمرانی خود را از سر بگیرد، چرا که می‌تواند عامل مهمی در شناساندن انقلاب به مردم شهر روستا باشد.

امام خمینی در تاریخ ۲۷/۳/۵۸ در پیام خود به مناسبت جهاد سازندگی تصریح می‌کنند: "باید به ملت متوسل شویم، ملتی که به حمد الله مہیای خدمت و فداکاری بوده‌هستند... مقامات مسئول شهر ما چه اقدام مشخصی در جهت نزدیکی به مردم شهر و بهره‌گیری از توان و استعداد-های آنها انجام داده‌اند؟ آیا روح این پیام در اقدامات یک ساله مقامات مسئول شهری دیده می‌شود؟

ما بار دیگر خطر ضد انقلاب را هشدار می‌دهیم. تظاهرات ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ نشان داد مردم شهر ما متأسفانه در اکثریت خود بی تفاوت بودند و این حالتی است که ضد انقلاب برای آن روز شماری کرده و از آن بهره برداری می‌کند.

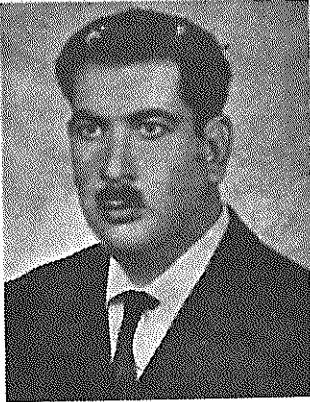
شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا از ابتدای پیروزی انقلاب همواره دو خط را برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برگزیده‌است و بر روی این دو خط حرکت می‌کند: نخست - "مسخ" انقلاب از درون بوسیله جا دادن عناصر مزدور خود در درون ارگان‌های دولتی، مانند علوی‌ها، مدنی‌ها، امیرانظام - ها... و از آن طریق ایجاد نارضایتی در میان مردم و منفرد کردن انقلاب و سپس روی کار آوردن دولت میانه‌رو؛ دوم - سرکوب انقلاب بوسیله تهاجمات مسلحانه و ایجاد جنگ داخلی و تحریکات مرزی از جانب مزدوران منطقه (رژیم صدام آمریکا) مردم آگاه و هوشیار ایران تا کنون تمام دسیسه‌های ضد انقلاب و اربابش آمریکا را نقش بر آب کرده‌اند و در مقابل آن قهرمانان ایستاده‌اند. مردم کردستان و شهر ما نمی‌توانند از انقلاب ایران جدا باشند. مردم ما می‌توانند و باید پاسدار انقلاب باشند، زیرا در سرنگونی رژیم منفور پهلوی، به مانند سایر افراد این مرز و بوم، سهم داشته‌اند.

مسئولان شهری باید اعتماد مردم را به انقلاب جلب نمایند، باید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را جایگزین اقدامات خودسرانه افراد نمایند و روش‌های ناصحیح و نادرست، که غلط بودن آن‌ها بارها به اثبات رسیده است، برای همیشه طرد شود.

نتیجه

با جمع بست مطالب فوق، همان گونه که استحضار دارید، متأسفانه باید گفت که اقدامات در شهر ما منطبق بر روند کلی حرکت سازندگی و شکوفائی در کل میهن ایران، نبوده است، و همین خود خطرناک است، چرا که پایه تبلیغات ضد انقلاب در منطقه روی همین نارسائی‌ها بنا شده است که، دولت مرکزی به کردستان نمی‌رسد. و این درحالی است که خود بزرگترین مانع در برابر سازندگی در منطقه بوده و هستند. متأسفانه مقامات مسئول نیز در همین دام افتاده‌اند و علت "عدم امنیت" را مطلقاً - تکرار می‌کنیم - مطلقاً تنها دلیل کم کاری‌ها عنوان می‌کنند، درحالی که این می‌تواند فقط یکی از دلایل باشد.

یادرفیق حسین صباغی هلالی گرامی باد



ابتدائی و متوسطه را در همانجا به پایان رسانید. بعد از مرگ پدر، وی در سن هفده سالگی مسئولیت خانواده را بر دوش گرفت. در سال ۱۳۲۸ وارد مدرسه فنی راه آهن شد و پس از گذراندن دوره دوساله آن، به پندرتر کم (پندر شاه سابق) منتقل شد و با استخدام در راه آهن پندرتر کم تا سال ۱۳۴۹ به شغل لکوموتیو رانی پرداخت.

رفیق حسین صباغی از سال ۱۳۲۱ مبارزات صنفی خود را در شورای اتحادیه مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران آغاز کرد و در سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران درآمد و تا پایان عمر نیز به حزب خود وفادار ماند. خاطره و یادش گرامی باد.

باکمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق حسین صباغی هلالی، یکی از اعضای وفادار حزب توده ایران، روز ۹ اردیبهشت سال ۶۰ چشم از جهان فرو بست. رفیق حسین صباغی هلالی در سال ۱۲۹۵ در تبریز چشم به جهان گشود و دوران تحصیلات

پخش وسیع مواد مخدر در مسال و شاندرمن

در مسال و شاندرمن یک شبکه وسیع پخش و فروش مواد مخدر بوجود آمده است. پخش مواد مخدر در این منطقه یکی از حرفه های پر درآمد است؛ به همین جهت تاکنون عده زیادی از اهالی، بویژه زحمتکشان و فرزندان آنها به این بلا خائنانه و گرفتار کننده متأسفانه از سوی مقامات مسئول در این منطقه تاکنون هیچگونه اقدامی صورت نگرفته است. ما از مسئولین امر در مسال و شاندرمن می خواهیم که با قاطعیت در این منطقه مبارزه کنند و با ایجاد درمانگاه های سیار و همچنین در بیمارستانها، زحمتکشانی را که بوسیله این ماده افیونی فلج شده اند، درمان کنند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

- ۵۰۰ ریال ف. ه از تهران
- ۵۰۰ ریال کتابیون از تهران
- ۱۰۰۰ ریال کسری از تهران
- ۵۰۰ ریال کامران از تهران
- ۱۰۰۰۰ ریال هواداران در رودبار
- فرجی از تبریز یک سکه طلا و ۲۵۰۰ ریال
- کارگران و کارمندان کارگاه فاضل آبپارس آباد ۲۴۰۰۰۰ ریال
- سازمان حزب در سمنان ۵۰۰۰۰ ریال
- جاسم و حسین از اهواز ۱۵۰۰۰ ریال
- فاطمه و سعید از آغاچاری ۲۲۱۰۰ ریال
- اعضاء و هواداران حزب از میانکوه آغاچاری ۶۵۰۰ ریال
- رفیقی از بوشهر ۲۱۲۰ ریال
- سازمان حزب در بوشهر ۶۰۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

سارقین مسلح سلباس را دستگیر کنید

شهرستان سلماس مدتی است که عرصه یکه تازی عناصر مسلح ضدانقلابی در باندهای ۲-۳ نفره ای است، که به خانه های شهر می روند و با تهدید و ارعاب از مردم اخاذی می کنند. اعمال این عده، که خود را نماینده «کاکا عبدالرحمن» و «سرهنگ جوانمرد» معرفی می کنند، باعث نگرانی و تشویش مردم شده است. این عوامل ضدانقلابی چندی پیش در قریه «مغانچوق»، به خانه یک صاحب کوره بن خانه رفتند و از او ۲۵۰ هزار تومان «باج سبیل» خواستند و وی را تهدید کردند که در صورت عدم تمکین به درخواست آنها، در دادگاه خلق محکوم به اعدام خواهد شد. این سارقین خانه کوخ نشینان سلماس را نیز از نظر دور نمی دارند و به خانه زحمتکشان سلماس هم حمله می برند.

ما ضمن جلب توجه مسئولین انتظامی به این مساله، از آنان می خواهیم که با قاطعیت جلو اینگونه اعمال را، که در جهت ایجاد هرج و مرج، ناامنی و وحشت در کشور است، بگیرند و مسببین آنرا دستگیر و مجازات کنند.

امیر یالیستی داشته است، حائز اهمیت تاریخی است. مبارزه ما برای بازپس گرفتن اموال مسروقه دودمان ننگین پهلوی یکی از صحنه های مبارزه ما با امیر یالیسی، بویژه امیر یالیسی آمریکاست و این مبارزه بیش از آنکه از حیث تابعیت مادی و مالی خود اهمیت داشته باشد، از لحاظ معنوی و سیاسی مهم است. زیرا به خلقهای ایران و تمام خلقهای جهان ثابت میکند که دزدان داخلی و پشتیبانان خارجی آنان در غارت مردم دستشان یکی است، و اثبات این مطلب از میلیاردها دلار بر ارزشش تراست، زیرا از برقراری مجدد اینگونه روابط، که چیزی جز رابطه «غارتگر» و «غارت زده» نیست، جلوگیری میکند و امکان به حکومت رسیدن غارتگران از همان قماش یا قماشیه شبیه به آن را، یکبار برای همیشه، منتهی می سازد.

میان دعوا نرخ خودسرانه تعیین نکنید و بیهوده به مار کسپسم نتازید

تظاهر و تزویر چیزی کم ندارند و خود مسلمانان واقعی انقلابی بخوبی این واقعیت را میدانند. در بین آنها همچنین مارکسیست-نماهایی وجود دارند که نام مارکس و تظاهر به انقلابیگری از زبان و اطوارشان نمی آید، ولی سردرگرو نقشه های امپریالیسم دارند و نقشی را که آمریکا برایشان تعیین کرده، بازی میکنند. خود مارکسیستهای واقعی هم اینگونه مارکسیست-نماهای بی آبرو را بخوبی میشناسند و لقب «مارکسیست آمریکائی» را کاملاً برازنده آنها میدانند.

اینها واقعیات روشنی است که اگر بخواهیم دیده بینا داشته باشیم و بسود انقلاب، صف دوستان را از صف دشمنان تشخیص دهیم، به آسانی آنرا خواهیم دید. بدشواری، ولی بیش از پیش در بین انقلابیون ما این واقعیت راه می کشاید و تمین صفاها - که از شرایط اصلی پیروزی انقلاب و ناکام ساختن دسایس ضدانقلاب است - کم کم دارد انجام میگردد. با این حال متأسفانه این روند هنوز در آغاز خویش است و جز یسکل جنینی بروز نمیکند و کم است نمونه های آگاهانه و اعلام شده این روش پستی و تشخیص درست دوست از دشمن و ترسیدن از شانتاز عناصر وابسته به سرمایه داری لیبرال و گفتن این حقیقت، کم است، ولی چون نفع انقلاب در اینست که بر این سد فائق شویم و اگر صداقت انقلابی و همچنین شهادت مدنی وجود داشته باشد، بی شک آینده با آن خواهد بود و این واقع بینی و حقیقت گوئی به کرسی خواهد نشست و زمینه مستحکمی را برای تثبیت و تحکیم و تعمیق انقلاب فراهم خواهد ساخت.

پس بیاییم و «فرصت» را غنیمت نشمریم و در میان دعوا نرخ خودسرانه تعیین نکنیم و بیهوده به مارکسیسم نتازیم. بیاییم و واقع بین و روشن بین، مرز واقعی بین دوستان و دشمنان انقلاب را تشخیص دهیم. مبارزه ایدئولوژیک اساسی خود را با امپریالیسم و ساخته های دستگاه عظیم تاثیر ایدئولوژیک آن از یاد نبریم. این دستگاه همچنانکه اسلام آمریکائی در آستین دارد، مارکسیسم آمریکائی را هم به بازار عرضه میکند. بخاطر سرنوشته انقلاب و امر تحکیم جمهوری اسلامی ایران، این دستاورد بزرگ انقلاب، تمیز بین دوستان و دشمنان انقلاب را دست کم نگیریم و با گردش قلم مرزها را مخدوش و واقعیات را دگرگون نسازیم.

زمینه تفکر سیاسی و راه یابی در برخی های تاریخ و درک روند انقلاب و نقش توده مردم و انقلابیون در آن کرده اند، توانسته اند سیاست درست اتخاذ کنند، به دژ نیرومند حامی انقلاب بدل شوند و با تمام نیرو، صداقت و فداکارانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند و نمونه ای از اصولیت انقلابی و استحکام ایدئولوژیک را عرضه دارند.

آنچه که زمینه و پایه انحرافات و گرایشهای نادرست را در بین «مجاهدین خلق» تشکیل میدهد، عناصر مارکسیسم در تفکر آنها نیست، و اصولاً آنچه که حذافصل بین روش انقلابی و روش غیر انقلابی است، اندیشه مارکسیستی یا اسلامی نیست. کیست که نداند چه بسیار «اسلامی» هائی هستند که در صف آمریکا و طاغوت قرار دارند و چه بسیار مارکسیستهای که جان برکف در صف انقلابند. در این دعوا جاذب نیست که نرخ تعیین کرد. شایسته نیست که بدون کمترین ارتباط و محملی پای مارکسیسم را بیجان کشید. بدون تفاوت گذاشتن بین مارکسیسم راستین و نقش انقلابی آن از یکسو، با ادعای مارکسیسم گروهکهای آمریکاساخته بنام مارکسیسم و نقش ضدانقلابی آنها از سوی دیگر نمی توان دید روشنی داشت و بسود انقلاب عمل کرد. اصل مسئله اینست:

مرز واقعی در جامعه انقلابی ما، بین دوستان و دشمنان انقلاب، ازین مسلمانان و مارکسیستها نمیکردد. این مرز از بین مدافعان و خواستاران تثبیت و تحکیم انقلاب و پیروزی قطعی و نهائی اهداف عالی آن از یکسو، و مخالفان انقلاب و خواستاران نابودی جمهوری اسلامی ایران و شکست همه امیدهای که به انقلاب بسته شده، از سوی دیگر، میگذرد. در بین مدافعان و حامیان انقلاب هم مسلمانان راستین و انقلابی پیرو خط امام خمینی قرار دارند و هم مارکسیستهای اصیل انقلابی، پیروان سوسیالیسم علمی، که پشتیبان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی هستند و برای پیروزی و پیشبرد آن صمیمانه و با فداکاری و پیگیری بسیار مبارزه میکنند. در بین دشمنان انقلاب و آرزومندان بازگشت نوعی نظام طاغوتی یا نوعی حکومت «میانه رو و معتدل» بسبب طبع آمریکا هم مسلمان نماهایی وجود دارند که ریش و تسبیح و عنوان فراوان دارند و از

«مجاهدین خلق از آنجا عملاً در صف مخالفین جمهوری اسلامی درآمده اند که مارکسیست شده اند»، «مجاهدین خلق بدان علت با انقلاب رودرو قرار گرفته اند که انقادی فکر میکنند و بجای اسلام عناصری از مارکسیسم را در تفکر خود وارد کرده اند»، «گرایش به مارکسیسم علت اصلی انحرافات سیاسی مجاهدین است».

نظایر این چنین قضاوتهایی را در روزهای اخیر در برخی جرایدهای مجلات میتوان خواند و در جلسات مختلفی که سخنرانان به انتقاد از «مجاهدین خلق» می پردازند، میتوان شنید.

در این اواخر، بمناسبت شهادت معجد شریفی واقعی از «مجاهدین خلق» در زمان رژیم شاه ملعون، بدست گروهی که از آن سازمان انشعاب کرده بودند و خود را به اصطلاح «مارکسیست» مینامیدند، باردیگر بر اینگونه «قضاوتها» تکیه و اصرار بیشتری میشود. ولی همه میدانند که گروه قائلین، که ادامه دهندگان راه آنها، گروهک مائوئیستی-آمریکائی «یککار» است، هیچگونه وجه مشترکی با مارکسیسم اصیل واقعی و انقلابی، که خود پرچم مبارزه ضد امپریالیستی و پیشرفت و استقلال و آزادی، پرچم اتحاد همه نیروهای انقلابی، ترقیخواه و مردمی است، ندارد، و نمیتواند داشته باشد. بنابراین شایسته نیست که از «فرصت» قتل یک مبارز مجاهد مسلمان بدست گروهی مارکسیست نما، بعنوان مستحکمی برای «رد» مارکسیسم اصیل و طرد مارکسیستهای راستین استفاده شود. همچنین بر ملا کردن و نشان دادن جنبه های نادرست از سیاست و عمل رهبری «سازمان مجاهدین خلق»، که عملاً جای این سازمان را در میان جنبه انقلاب خالی میکند و آنرا مورد ستایش و تحسین نیروهای ضدانقلابی و رادیوهای امپریالیستی قرار میدهد، بیچرخو نمیتواند متکی بر این «استدلال» ساختگی و «قضاوت» سطحی قرار گیرد که، همه اینها ناشی از وجود عناصر مارکسیسم در ذهن «مجاهدین خلق» واقعا است، زیرا اگر «مجاهدین خلق» واقعا مارکسیست بودند، چنین اشتباهات سنگین و قابل تأسفی را مرتکب نمیشدند.

مارکسیستهای اصیل درست بهمین علت که جهان بینی مستحکم مارکسیستی را

بازپس گوفتن...

دودمان پهلوی در داخل کشور روشن است؛ می ماند «اموال مسروقه» ای که اعضای این «دودمان جلیل» به خارج از کشور منتقل کرده اند. گذراندن لایحه قانونی برای این قسمت از «اموال مسروقه» نیز ضرورتی ندارد. این بحث مدرسی که برخی از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی پیش کشیده اند که در صورت تصویب لایحه پیشنهادی دولت، طبق قوانین سوئیس و فرانسه ما باید غرامت اموال مسروقه شاه ملعون را بدیم و طبق سیستم حقوقی کشورهای انگلوساکسن معلوم نیست که باید غرامت بدیم یا نه، از ریشه بی پایه است. ما از طریق «سیستم حقوقی» کشورهای غربی، چه سوئیس و چه فرانسه باید و چه کشورهای انگلوساکسن، یک دلار هم از اموال مسروقه شاه ملعون را نمیتوانیم پس بگیریم. مگر «سیستم حقوقی» آنان بر پایه دفاع از غارت سرمایه داری بنا نشده است؟ اگر ما می توانیم با رجوع به «سیستم حقوقی» غرب میلیاردها دلاری را که شرکتهای چندملیتی آنان در دوران حکومت

شکل صدها میلیون دلار سهم در شرکتیهای مختلف درآمده است، تن دردهد، بدون آنکه با واکنش شدید انحصاراتی که این سرمایه ها را از دست میدهند، روبرو گردد؟

مراجعه به «سیستم حقوقی» غرب بمنظور بازپس گرفتن اموال شاه ملعون و بستگانش نه روشی پسندیده برای دولت انقلابی ماست و نه مفید هیچ فایده ای. ما باید راه خود را بر گزینیم و در یک دادگاه ویژه (که در صورت لزوم قانونی برای تشکیل آن از مجلس باید بگذرد) اعضای «دودمان جلیل پهلوی» را همچون دزد و کلاهبردار محاکمه کنیم و بر اساس حکم این محکمه بخواهیم که همزمان با بازداشت آنان بعنوان دزدان و کلاهبرداران، اموال مسروقه آنان را نیز بپایس دهند. حکم چنین دادگاهی از جمیع جهات در صحنه بین المللی وزن بیشتری خواهد داشت، زیرا دفاع از این دزدان و کلاهبرداران را از سوی دولتهای امپریالیستی در برابر مردم کشورهای خودشان و در برابر افکار عمومی جهان دشوارتر خواهد ساخت و موضع ما را در مورد بازپس گرفتن اموال

سلسله پهلوی، با استفاده از زور پلیسی این دستگاه به سرعت برده اند، پس بگیریم، امسوال مسروقه شاه ملعون را نیز میتوانیم مسترد کنیم.

پس آیا این بدان معناست که ما باید از طرح مسئله بازپس گرفتن «اموال» شاه ملعون صرف نظر کنیم؟ بیچوجه! آنچه ما باید از آن صرف نظر کنیم، دل بستن به عدالت «سیستم حقوقی» غرب است. ما باید به یقین بدانیم که کلمه هر چه باشد (چه ملی کردن و چه ضبط و چه مصادره و غیره)، در یکبار انداختن اهرم «سیستم حقوقی» غرب بسود عدالت تأییری نخواهد داشت، زیرا خود این «سیستم» بر پایه «مقدس» شناختن «مالکیت» روئیده از این غارت بنا شده است. علاوه بر این، هر دلار از ثروت شاه ملعون و بستگانش با همدستی و شراکت انحصارات بزرگ چند ملیتی، فرمانروایان واقعی دولتهای غربی، بدست آمده است. «سیستم حقوقی» غرب چگونه میتواند به بازپس دادن اموال شاه ملعون و بستگانش، که بصورت سرمایه های بانکی در گرو را کفلهای و یابه

انتخابات «مجلس نمایندگان» در برلین غربی

امروز، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ (۱۰ مه ۱۹۸۱)، در برلین غربی، انتخابات «مجلس نمایندگان» برگزار میشود. رهبری «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» در بیانیه‌ای که چندی پیش زیر عنوان «برای شهری پاکیزه - برای سیاستی جدید در برلین غربی»، در ارگان مرکزی حزب «دی وآر هایت» (حقیقت) انتشار یافت، به بررسی رویدادهای اخیر و انتخابات آینده پرداخت.

در این بیانیه گفته میشود که، با گزینش «هنس یوخن فوگل» و دیگر اعضای «سنا»، «بحران سیاسی» شهر بیچروی پایان نیافته است.

در بیانیه «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» می‌خوانیم: «علت ناخشنودی فزاینده و گسترده مردم و اعتراضات و مبارزات روزافزون شهروندان را در سیاست «سنا» باید دید که از یکسو، شهر را به آخور کلان سرمایه‌داران تبدیل کرده است و از سوی دیگر بار سنگین پیامدهای بحران اقتصادی سرمایه‌داری را بر روی دوش زحمتکشان می‌نهد.»

چنانکه بیانیه «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» یادآور می‌شود، اظهارات فوگل نشان میدهد که زمامداران برلین غربی از سیاست بحران‌زای ائتلاف سوسیال‌دمکرات لیبرال و ناکامی‌های «سنا»، آشوبه (بزرگ) شهردار سابق برلین غربی (عبرت نیاموخته‌اند. اینکه فوگل میکوید قرارداد های ائتلافی دو سال پیش (۱۹۷۹) را باید با امکانات زمانی و مالی کنونی تطبیق داد، حاکی از آنست که وی بیچروی قصد اتخاذ سمتگیری جدیدی را ندارد. در بیانیه «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» سپس می‌خوانیم:

«بدینسان، خواست «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» بیش از همه وقت مبرم است. بنا براین چه باید کرد... تا سرانجام در شهر ما جو سیاسی پاکیزه‌ای پدید آید؟ خواست‌های ما شرح زیر است:

★ گسیل منتخبین کارگران به «مجلس نمایندگان» برای مبارزه با پارتی‌بازی، فساد و زدبندی؛

★ نظارت دمکراتیک بر کمک «سنا» به کارفرمایان، حفظ و گسترش امکانات کار و کارآموزی؛

★ اتخاذ برنامه‌ای فوری برای ساختن ۱۵۰۰۰ خانه اجتماعی در سال ۱۹۸۱ و مبارزه با بساز و بفروش‌ها؛

★ جلوگیری بیدرتک از افزایش کرایه خانه‌ها و دفاع از حقوق مستأجران؛

★ عقد اجاره‌نامه‌ها مستندانی، که خانه‌های خالی را اشغال کرده‌اند و قطع تضمینات پلیسی علیه آنها؛

★ نوسازی فوری ۲۰۰۰ خانه قدیمی رها شده بحساب صاحبان آنها و مقابله با خالی نگه‌داشتن خانه‌ها؛

★ احداث کودکستانها و دبستانهای بیشتر، افزایش بودجه «سنا» برای استخدام در آموزش و پرورش و بهداشتی؛

★ اجرای اصول دمکراتیک قانون اساسی برلین غربی و لغای آئین‌نامه منع کار (بزرگرفروت) و تفتیش عقاید؛

★ برابری سیاسی واجتماعی هم‌شهریان خارجی و مبارزه با افراد و قمیض اقلیت‌ها؛

★ پیروی از سیاست صلح و تقاضای خودداری از تأمین مالی بودجه تسلیحاتی «ناو» و مشی رویارویی.

بگفته «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی»، این خواست‌ها حتی مورد توجه ائتلاف سوسیال دمکراتها - لیبرالها و یا دمکراتهای مسیحی قرار نمی‌گیرد، چه برسد که این احزاب بورژوازی در پیشبرد آنها کام بردارند. از اینرو، بیش از هر وقت لازم است که «مدافعان منافع زحمتکشان و پیروان سیاست شهر پاکیزه» به «مجلس نمایندگان» فرستاده شوند.»

در بیانیه بیانیه «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» می‌خوانیم: «اگر قرار است که وضع زحمتکشان بهبود یابد، برلین غربی آینده‌ای صلح‌آمیز داشته باشد، شهر ما از باآلاق فساد و حسیضی پارلماناریسم رهایی پیدا کند، لازمست که چرخشی به سوی پیشرفت دمکراتیک واجتماعی در سیاست «سنا» و «مجلس نمایندگان» پدید آید. اینست آنچه «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» بخواهد آن می‌رزمند.»



لئونید برژنف بمناسبت روز پیروزی بر فاشیسم: ماهیچگاه از توان سترگ خود علیه دیگر خلق‌ها بهره نخواهیم جست

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی و صدر هیئت‌رئیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در روز ۱۹ اردیبهشت، بهنگام پرده برداری از یادبود «جنگ بزرگ میهنی خلق‌های شوروی» در سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۵، در کیف، پایتخت اوکراین، سخنرانی مهمی ایراد کرد.

لئونید برژنف گفت: «این یادبود باشکوه یافتار کسانی برپا شده است که زندگی خود را فدای رهایی خلق‌های اروپا و دیگر قاره‌ها از بند فاشیسم کردند.»

لئونید برژنف در ادامه سخنانش گفت: «کاهش تنش و پیشبرد صلح مسائل کلیدی روزگار ماست.» برژنف سپس از سیاستمداران در غرب انتقاد کرد، که «اعلام میدارند صلح مهمترین مسئله نیست، بلکه موضوع‌های مهمتر دیگری وجود دارد. برای من موضوعی از این دهشت‌انگیزتر و

چهار مبارز ایرلندی به اعتصاب غذای خود در زندان ادامه میدهند

یکی دیگر از مبارزان ایرلندی در زندان «لانگ کس» به سه تن از یاران خود پیوسته است، که برای دستیابی به حقوق زندانیان سیاسی، به اعتصاب غذا دست زده‌اند.

۳۶ درصد جوانان سیاهپوست در آمریکا بیکارند

بکارش وزارت کار ایالات متحده آمریکا، در چهاره اول سال جاری میلادی، نرخ بیکاری در این کشور به ۷٫۳ درصد رسید.

هلند به مخالفت خود با استقرار موشک‌های جدید آمریکائی در آن کشور ادامه خواهد داد

در هلند، نمایندگان سه‌حزب بزرگ این کشور، «دمکراتهای مسیحی»، «دمکراتهای ۶۶» و «حزب کارگر»، اعلام داشته‌اند که هر دولت ائتلافی، که پس از انتخابات آینده هلند زمام‌امور را بدست بگیرد، نقشه استقرار موشک‌های جدید آمریکا را در هلند رد خواهد کرد.

«مجلس نمایندگان» آمریکا بودجه ۱۹۸۲ را تصویب کرد

«مجلس نمایندگان» کنگره ایالات متحده آمریکا بودجه ۱۹۸۲ دولت ریگان را تصویب کرد. در این بودجه، از یکسو، هزینه‌های اجتماعی برای کاهش یافته و از سوی دیگر، مخارج نظامی رکورد جدیدی را بجای گذاشته است.

جلسه محرمانه کارشناسان نظامی آمریکا، اسرائیل و مصر برای دسیسه پردازی در منطقه

روز ۱۸ اردیبهشت ۶۰، جلسه‌ای محرمانه میان کارشناسان نظامی ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و مصر در واشینگتن صورت گرفت. آنها، در این جلسه، به بررسی استقرار بااصطلاح «سپاه چند ملیتی» در شبه‌جزیره سینا و افزایش حضور آمریکا در منطقه پرداختند.

ادامه تروریسم سیاسی در اسپانیا

پارلمان اسپانیا روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۰، به بحث درباره تداوم جدید علیه تروریسم سیاسی پرداخت. تنها در سال جاری میلادی (از ۱۱ دیماه ۱۳۵۹ تاکنون)، ۲۵ تن در اسپانیا قربانی تروریسم سیاسی شده‌اند.

دولت لیبی: آمریکا مسئول تروریسم بین‌المللی است

لیبی ادعاهای آمریکا را مبنی بر پشتیبانی از «تروریسم بین‌المللی» رد کرد، و بنوبه خود، ایالات متحده آمریکا را به شرکت در تروریسم متهم ساخت.

ملاقات معاون وزارت خارجه اتحاد شوروی با رهبران سوریه و فلسطین

گئورگی کورمیتسکی، یکی از معاونان وزارت خارجه اتحاد شوروی، در دیدار خود از سوریه با حافظ اسد، رئیس جمهور، و عبدالحمید خدام، وزیر خارجه این کشور ملاقات کرد.